روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : متن قوانین - تصویبنامه‌ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی

سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه‌ها - بخش نامه‌ها - آگهی‌های رسمی

شماره تلفن : اداره ۵۴۴۸ - اطاق رئیس ۹۴۴۱

سال سوم - شماره ۷۲۰ | مدیر سید محمد هاشمی | ۳ شنبه ۱۳ مرداد ماه ۱۳۲۶

صفحه ۱۸۴۹

دورهٔ پانزدهم قانونگذاری

شمارهٔ مسلسل ۱۴۸۱

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۴

مجلس ساعت نه و سه‌ربع صبح بریاست آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید

فهرست مطالب :

۱- بقیهٔ مباحثه در اعتبارنامهٔ آقای تقی‌زاده و تصویب آن

۲- تصویب یك‌فقره اعتبارنامه (آقای نیکپور)

۳- طرح انتخابات تهران راجع باعتبارنامهٔ آقای دکتر امینی

رئیس — نظر باینکه در جلسهٔ قبل تنفس داده شده مجلس امروز صورت‌خلاصه ندارد پیشنهاد آقای حسین مکی مطرح و یکمرتبه قرائت میشود که آقایان متوجه باشند بعد از مخالفت یکنفر رأی گرفته میشود .

(پیشنهاد آقای مکی بشرح زیر قرائت گردید.)

ریاست محترم مجلس شورای ملی- چون آقای تقی زاده فعلا غائب هستند و ما نمایندگان باید دفاع ایشان را بشنویم آنگاه رأی بدهیم استدعا دارم موضوع ازدستور خارج شود .

دکتر عبده — بنده اجازه میخواهم.

مکی — بنده بایك مختصر توضیحی پیشنهادم را استرداد میکنم واین توضیح اینست که...

رئیس — استرداد میکنید، توضیح دیگر لازم نیست ، پیشنهاد دیگری در همین ردیف رسیده‌است (بشرح زیر قرائت گردید .)

ریاست محترم مجلس شورایملی - بنده درخواست میکنم رأی نهائی باعتبار نامهٔ آقای تقی زاده موکول شود که خودشان در مجلس حضور یابند و پس از شنیدن پاسخ ایشان رأی گرفته شود - ناصر قلی اردلان

رئیس — آقای اردلان .

اردلان — بنده یك نظر اصولی در اینخصوص داشتم . آقایان مسبوق هستند قانون انتخابات ما که فعلا عمل میکنیم نواقص بسیاری دارد در دورهٔ چهاردهم نشستیم نواقص را تا حدی که ممکن بود رفع کردیم تجدید نظری بعمل آوردیم که بعد باید تصویب بشود یکی از آن نواقص اینست که اگر نسبت به اعتبار نامهٔ یك شخصی اظهار مخالفت بشود. باید رأی در موقعی گرفته شود که خود او حضور داشته باشد. رأی یك فلسفه بسیار صحیحی دارد و من معتقدم که این اصل رعایت بشود .(یکنفر از نمایندگان هنوز تصویب نشده است.) بنده هم عرض کردم که تصویب نشده است ولی این یك نظری بود که سابق گرفته شده بود آقای علی وکیلی و آقای وهاب زاده که اینجا تشریف ندارند بنده در سرسرا اسم خودم را نوشتم که بیایم در مجلس تقاضا کنم که تازمانیکه تشریف نیاورده‌اند مجلس اظهار عقیده راجع به اعتبار نامهٔ آنها نکند. این نظر بنده است ممکن است آقایان نپذیرند ولی من آزادانه عقیده خودم را میخواهم عرض کنم وقتی اعتبار نامهٔ یك نماینده در مجلس مطرح میشود همیشه دو موضوع مورد مذاکره واقع میگردد یکی راجع بجریان انتخابات است البته مخبر شعبه، اشخاصی که در محل بودند و اشخاصیکه از جریان انتخابات اطلاع دارند، کاملا میتوانند بیایند اینجا دفاع کنند، ولی یك وقتی است که معارض و معترض و کسی که مخالف است راجع بصلاحیت شخصی آن نماینده صحبت میکند میگوید این بمملکت خیانت کرده. این راه راست نرفته، این اختلاس کرده ،(رئیس ماده ۶۴ را هم رعایت کنید اطاعت میشود . بنده عرض میکنم این شخص باید خودش باشد و دفاع کند. کوچکترین محکمه ای که در همه جای دنیا تشکیل میشود، اگر بیك کسی اعتراض میکنند تا قاضی طرف را نخواهد ونپرسد رأی نمیدهد. این مجلس شورای ملی است باید سرمشق باشد برای تمام دوایر قضائی مملکت آمدیم و خدای نکرده (بنده از اشخاصی هستم که بآقای تقی زاده رأی خواهم داد) ولی آمدیم و خدای

روزنامهٔ یومیه

فهرست مندرجات

۱ - صورت مشروح بقیه مذاکرات چهارمین جلسه دورهٔ پانزدهم — از صفحهٔ ۱ تا ۱۲

۲ - آگهی‌های رسمی — « ۱۳

● عین مذاکرات مشروح چهارمین جلسه از دورهٔ پانزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

نکرده اکثریت مجلس رأی نداد (حاذقی اینطور نیست) فرض محال محال نیست. بنده شخصاً رأی میدهم ولی فرض محال محال نیست اگر ردشد شما جواب تقی‌زاده را چه‌میدهید؟ (اقبال — جواب جدش‌را چه میدهید ؟ جواب خودش که‌هیچ.) آنوقت میگوید بصلاحیت‌من اعتراض کردند ونگذاشتند من بیایم وازحق خودم دفاع کنم.

رئیس - ماده۶۳ را رعایت کنید.

اردلان — بنده عرضی ندارم اگر آقایان مطمئن‌هستید که صد درصد اعتبارنامهٔ ایشان تصویب میشود بسیارخوب. (جمعی از نمایندگان - ماباکمال میل رأی میدهیم) (یمین‌اسفندیاری — مابرای‌ایشان مطمئن‌هستیم)....

رئیس - رعایت‌نظم مجلس‌را بکنید.

اردلان - اگر مطمئن هستید که باعتبار نامهٔ ایشان مجلس رأی میدهد، بنده موافقت میکنم والا اجازه بدهید که خودشان تشریف بیاورندازاعتبارنامهٔ خودشان دفاع بکنند این بود نظر بنده.

دکترعبده - بنده‌مخالفم.

رئیس - آقای‌دکترعبده.

دکترعبده - بنده یقین دارم آقای اردلان در این پیشنهاد بهیچ‌وجه سوء نیتی نداشتندوایشان مانند اکثریت بلکه‌اتفاق‌مجلس شورایملی بگذراندن اعتبارنامهٔ شخص‌آقای تقی‌زاده کمال علاقه را دارند ولی استناد ایشان بیك‌نظامنامه‌ایکه‌هنوز تصویب‌نشده است‌درست‌نیست. اگریك‌روزی‌تصویب‌شد آنوقت‌مطابق آن نظامنامه رفتار خواهیم کرد (صحیح است)ولی درهرحال آن نظری که واضعین نظامنامه درمورد وضع این ماده داشته اند مسلماً درمورد تقی زاده نیست برای اینکه زندگی تقی زاده مربوط بیك زندگی شخصی وخصوصی نیست . (صحیح است) زندگی تقی‌زاده را تاریخ ایران کاملا مجسم کرده وتشریح کرده وهر کسی‌حتی کسانیکه مدرسه‌متوسطه را دیده اند،اینها از زندگانی شخصی تقی زاده که توأم بود باشرافت وحیثیت، کاملا مستحضرهستند و چون هیچ‌نکته مجهولی درباب زندگانی ایشان‌نیست و بیش از چندین نفر داوطلب هستند که باکمال افتخار ازشخص تقی زاده دفاع کنند بنظر بنده آقای اردلان بهیچوجه نگرانی نداشته باشندویقین داشته باشند که همهٔ ما ازایشان دفاع خواهیم کرد ومطمئن‌باشند که زندگانی تقی‌زاده مربوط‌بزندگانی همه ملت ایران است (صحیح است) متعلق بشخص ایشان نیست ونمایندگان ملت بایستی ازایشان دفاع بکنند وما این دفاع را خواهیم کرد وحتماً بایشان رأی خواهیم داد .

رئیس - پس رأی میگیریم وبرای‌رأی گرفتن پیشنهادی از آقای دکتر شفق رسیده .

دکتراعتبار - این مربوط باین نیست .

جمعی از نمایندگان — آقای اردلان پیشنهادشان را پس میگیرند .

اردلان - بنده پیشنهادم را پس میگیرم .

دکتراعتبار - آقا اول این را رأی بگیرید

رئیس - ایشان پس گرفتند آقا میخواهید رأی بگیرند ؟ (خنده نمایندگان) پیشنهاد آقای دکتر شفق خوانده میشود (بشرح زیر قرائت شد)

ریاست مجلس شورای ملی - پیشنهاد میکنم راجع باعتبارنامهٔ آقای تقی زاده بقید توضیح ذیل رأی گرفته شود :

مجلس شورای ملی پس ازاستماع بیانات آقای عباس اسکندری و موافقین آقای تقی زاده اعلام میدارد که رأی بصلاحیت آقای تقی زاده هرگز مستلزم تصدیق‌ضمنی ازمطالب دیگر سیاسی‌وحقوقی بتفصیلی که در بیانات آقای اسکندری و موافقین مذکور افتاد نخواهد بود ودراین رأی نظرمنحصراً بصلاحیت شخصی وجریان انتخابات تقی‌زاده است .

دکترعبده - بنده یك اخطاری داشتم .

رئیس - برطبق چه ماده ای است .

دکترعبده - ماده اش را نمیدانم .

رئیس - این نظامنامه را بدهید بآقای‌دکتر عبده هر وقت ماده بنظرشان آمد آنوقت اعتراض نمایند.اگر آقایان دیگر هم میخواهند یکی دیگر هم برایشان بفرستم

دکترعبده - این مربوط برأی است .

رئیس -آقای دکتر شفق

دکترشفق — بنده درباب آقای تقی زاده بمناسبت‌اینکه آذربایجانی‌هستنددریکی‌دوجلسهٔ قبل که‌راجع بآذربایجان وآذربایجانی یك احساساتی‌در مجلس ابراز شد مناسب ندیدم مداخله کنم . بنده اساساًدرباب اعتبارنامه‌ها یك‌روش‌خاصی برای‌خودم اتخاذ کرده‌ام اما یك نکته را لازم دانسته‌ام تذکر بدهم وآن نکته رابعرض آقایان نمایندگان محترم میرسانم درتوضیحات آقای اسکندری متوجه شدند آقایان که‌درضمن، یك‌جمله‌ای‌نظیر اینکه‌بنده‌درست عبارتش درنظرم نیست فرمو ند و آن این بود که فرمودند:اگر نمایندگان‌مجلس‌شورای ملی‌بصلاحیت آقای تقی‌زاده رأی دادند ناچار راجع بادامهٔ قرار دادنفط وبعضی اقدامات ناگواری که‌از ناحیه دولت بریتانیای قدیم(چونکه‌دیگر دولت بریتانیابآن‌وضع و سیاست کهنه گویا حالا انشاءالله وجود ندارد) (جمعی ازنمایندگان - انشاءالله) شده است ضمناًآن سیاست‌را تصدیق کرده‌ایم. بنده خواستم این‌قسمت کاملا روشن بشود که ما اینجا دونمره‌بقول مرحوم مدرس مطلب داریم یکی صلاحیت ووطن پرستی و درستی‌وخدمات شایان‌سیدحسن تقی‌زاده‌نسبت بایران که‌بنظر بنده‌ولوتصدیق کنیم که‌بعضی راههای‌اشتباه در زندگی سیاسی گرفته باشد بنظر بنده سابقه خدمات قلمی وصمیمی اونسبت بکشور و ملت ایران مسلم است(صحیح‌است)یکی‌هم‌راجع بجریان‌انتخابات ایشان است‌امایك مطلب دیگری هم‌هست که ایشان راجع بتاریخ روابط با دولت متفق بزرك ما دولت معظم بریتانیا فرمودند ، رأی دادن بشخص تقی زاده بهیچوجه من‌الوجوه ارتباطی با رأی دادن بآن‌مسائل‌نخواهد داشت. (صحیح است .) یك‌دولت بریتانیائی بود درمقابل هم مظفر الدین شاه‌مرحومی بود و درمقابل آنهم یك اوضاع دیگر سیاسی در آن موقع بودما میدانیم که از آن موقع تا زمان ما ۲ جنك بزرك جهانی پیش‌آمد و در هریکی‌نصف این جهان خراب شد . اساس هر دوجنك بتصدیق تمام ملت‌ها آن وقت بموجب مواد ۱۴ گانه ویلسون و این وقت بموجب سازمان ملل متحد (کماباکمال افتخار عضو آن سازمان هستیم) موضوع تحمیل قرار دادهائی بودکه در آن قرار داد ها حفظ‌منافع یك طرف مرعی نشده باشدوبضرر یك طرف‌دیگر تمام شده باشد و غالباً اعمال نفوذسیاسی غیرمشروع شده باشد. اساس‌این قرار دادها انشاءالله بخصوص بموجب منشورسازمان ملل متحد از بین‌رفت. امروز دولت بریتانیا یك‌دولت عادلانه سوسیالیستی است‌که میخواهد تمام ملل دارای حقوق و استقلال شخصی خودشان باشند . ایران‌هم یکی از دولی است که از قدیم استقلال داشته است و انشاءالله تا ابدالدهر استقلال خواهد داشت و ما درهر عهد نامه‌ای ، در هر قراردادی، درهر روابط سیاسی، بموجب تفاهم برادرانه متکی بحسن نیت بین ملل بزرك‌عالم، حق تجدید نظر خواهیم داشت و انشاءالله بعد از اینهمه خونخواری و خرابی‌که بجهان و جهانیان روی داد دیگرترس وواهمهٔ دربارهٔ اظهارمسائل حق‌در جهان وجودنخواهد داشت(جمعی ازنمایندگان-انشاءالله.) از این‌لحاظ ماباحسن نیت نسبت به متفقین خودمان وبا وعده ای که خود آقای اسکندری فرمودند که مجلس درهرموقعی میتواند درهر قرار دادی اظهار نظر کند مابازهم تکرار میکنیم که منحصراً بشخص تقی زاده (که از بنده شایسته نیست و من نبایستی بواسطه احساسات آذربایجانی مبالغه کنم) رأی میدهیم و صرفاً این رأی روی سوابق خدمت او است ومنحصراً باین نیت رأی میدهیم (صحیح است)

رئیس-رأی میگیریم باعتبار نامهٔ آقای‌تقی‌زاده باوعایت پیشنهاد آقای دکتر شفق .

دکترعبده — بنده بموجب ماده ۵۸ عرضی داشتم اجازه میفرمائید. ماده ۵۸ میگوید وقتیکه مباحثات لایحه‌بطورکلی ختم شدباید بموادآن رأی گرفته‌شود. دراینجا مباحثه تمام نشد و این فورمول رأی وقتی است‌که بحث تمام شده باشد وهنوزمباحثه تمام‌نشده است . بنده با پیشنهاد آقای دکتر شفق کمال موافقت رادارم ولی بجای خودش رأی نسبت بآن گرفته شود . بنظر بنده اجازه بفرمائید که مباحثات تمام‌بشود بعداً نسبت به‌پیشنهاد آقای‌دکتر شفق رأی گرفته شود.

رئیس — مباحثات تمام شده (دکتر عبده تمام نشده است) بر طبق ماده۱۰۸ باید موافق و مخالف بترتیب حرف بزنند آقاکه موافقید . مخالفی وقتی نباشد بدو موافق نمیشود اجازه داد مگر اینکه مخالفی صحبت کرده باشد(دکتر عبده- صحیح است) بنا بر این مباحثات تمام شده بود که این پیشنهادرا خواندیم .

امیر تیمور - بنده‌تذکردارم .

رئیس - حالا موقع تذکر نیست راجع به پیشنهاد آقای دکترشفق مخالفی هست ؟

اسکندری - بنده مخالفم

رئیس - وقتی مخالف دارد بنده مجبورم اجازه بدهم‌مخالف صحبت کند. بفرمائید آقای اسکندری .

عباس اسکندری - مخالفت بنده باپیشنهاد آقای دکتر شفق از دوجهة بود یکی‌اینکه چنانچه آقای دکتر عبده فرمودند اصلا مذاکره ای نشده جواب ایرادات بنده از طرف مجلس شورای ملی و نمایندگان داد نشده است و اینموضوع بزرگتر از آنست که بشود با سرپوشی روی آنر پوشاند

نمیشود. در این مجلس مکررمذاکره شده راجع به اینکه ۵۰ تومان میخواهند برای یك پاسبانی که در سر انجام وظیفه مرده یا کشته شده باو حقوق بدهند برای ۵۰ تومان دو جلسه صحبت‌شده است و بعد هم وزیر دارائی پاشده گفته در بودجه محل نداریم (ملك مدنی خارج از موضوع‌است.) وبعد ۵۰ تومانرا ۲۵ تومان‌میکنند.دوجلسه‌صحبت‌شده (دکتر عبده -راجع بپیشنهاد است؟)اجازه بدهید راجع بهمین‌موضوع است‌هنوزمذاکره‌ای نشده‌است. کمنتهی به‌پیشنهاد بشود . یك‌موضوع مهم مملکتی که من امید وارم در سایهٔ توجه آقایان نمایندگان به‌نفع و خیروصلاح مملکت خاتمه یابد و در اینجا همگی‌بایك صراحت‌لهجه، با یك ذهن روشن با یك وجدان آرام وفارغ قدمی بردارید که این لکه‌ای که‌بخرابی وتضییع ماواقتصادماو مملکت ماوبدبختی مملکت ماکمك کرده‌است اورا برداریم (یکی از نمایندگان -لکه نیست ، اینطور نیست)یعنی‌موافقید که‌این قرار داد باین صورت (همهمهٔ نمایندگان) (یکی از نمایندگان - قرار داد چیست آقا حرف قرارداد رانزنید) (دکتر عبده- حرف وارونه چرا میزنید . مبالغه میکنید.) بنده همین رادلم میخواهد که‌آقایان‌نمایندگان تصریح‌بفرمایند چون اینموضوع موضوعی است‌که‌قابل‌بحث‌است‌بایدحقوق‌مملکت‌ایران راجع‌باین‌قسمت‌محفوظ‌شده باشداینرا بایدصحبت کرد این‌را بایدگفت یك‌قدری رعایت انصاف‌را بفرمائید ودرمطالب منطق رادخالت بدهید ...

رئیس — شما راجع‌باین‌پیشنهادی که آقای دکترشفق کرده‌اند باید صحبت بفرمائیدودرموضوع دیگری صحبت نکنید.

عباس‌اسکندری- در اطراف این پیشنهاد است . مخالفت بنده از دو بابت است یکی اینکه مذاکره و جوابی بایرادات بنده داده نشده است . باور بفرمائید که هیچ قسم نظر شخصی با آقای تقی زاده نیست . قسمت دوم ... (نور الدین امامی - یادتان رفت) خیر راجع به تفکیك‌عمل ازشخص است عقیده دارم که این‌پیشنهاد وقتی طرح میشود من حقم محفوظ است که‌مذاکرات کافی نیست و دلایل و اسناد دیگری هم دارم که در این جا بعرض آقایان نمایندگان محترم مجلس برسانم .

رئیس-تمام شده‌است زیراکه مجلس‌مذاکرات را کافی دانسته و صورت مجلس حاضر است آن‌را ملاحظه بفرمائید .

عباس‌اسکندری - رأی بکفایت مذاکرات گرفته نشده است .

رئیس — کسی که مخالف نبود که رأی گرفته شود در موادری که مخالفی هست رأی گرفته میشود.

عباس اسکندری - بنده مخالفم، موضوع دو تااست البته مجلس میتواندبگوید مذاکرات‌کافی است و رأی هم بدهد و بنده‌هم اصلا چیزی‌نمیتوانم بگویم ولی باید گفته شود که مذاکرات کافی‌است یا نه ...

رئیس - گفته شد .

عباس‌اسکندری - هرچه باشد البته اختیار رأی بکفایت مذاکرات یا ادامهٔ مذاکره با مجلس است بنده یکنفرم و در حدود نظامنامه و اجازه‌ای که بمن بدهند میتوانم حرف بزنم و وقتی هم که بمن اجازه ندادند نمیتوانم حرف بزنم . اگرمجلس اجازه داد که من حرف میزنم و اگر هم بکفایت مذاکرات رأی گرفته‌شد و کافی ندانستند بنده‌باز عرایضم را میکنم والا بعنوان مخالف در کفایت مذاکرات صحبت خواهم کرد .

دکتر شفق — بنده راجع به پیشنهاد یك توضیحی دارم .

رئیس — به‌پیشنهاد آقای دکترشفق اگر یکی‌از آقایان توضیحی داشته‌باشد مختصرآمیتوانند صحبت کنند .

دکتر شفق - اینجا سوء تفاهمی روی داد بنده بهیچوجه عرضی نکردم که مذاکرات کافی‌باشد یا نباشد .نیرتاده روز دیگر هم هریك از آقایان میخواهندصحبت‌بکنند‌بکنند.بنده‌خواستم‌قبلا اذهان آقایان روشن بشود که بعداز مذاکرات موقعی که برأی رسید آنوقت مطابق این‌پیشنهاد رأی بگیرند (صحیح است) بعضی از نمایندگان - رأی می گیریم‌بعضی دیگر- رأی ندارد) .

یکنفر از نمایندگان - بنده پیشنهاد می کنم راجع به‌اعتبارنامه رأی بگیرند.

رئیس - بنده میخواهم‌رأی بگیرم عده کافی نیست. آقای‌دکتر معظمی .

دکتر معظمی - اگر پیشنهاد آقای دکتر شفق قرائت بشود موضوع روشن‌میشود آقای‌دکتر شفق پیشنهاد فرمودندکه مجلس شورای‌ملی پس‌از استماع بیانات آقای اسکندری وموافقین چنین‌رأی بدهد، بنابراین نظر آقای دکتر شفق این‌است که درموقعیکه باعتبارنامهٔ آقای تقی‌زاده رأی‌گرفته می شود باین فورمول باشد .

حاذقی - نوبت آقای مسعودی است.

یمین اسفندیاری- رأی بگیرید .

رئیس - پس بااین فورمول رأی‌گرفته‌میشود بنمایندگی آقای‌تقی‌زاده .(همهمه نمایندگان) اجازه بفرمائیدباین‌فورمول این‌را رأی بگیریم.

عباس مسعودی - بنده با اعتبارنامه موافقم اجازه بفرمائید صحبت بکنم.

حاذقی - هنوز موافق صحبت نکرده باید صحبت بکنند (ملك مدنی- اجازه‌میفرمائید؟) آقای مسعودی بعنوان موافق صحبت میکنند .

رئیس - آقای مسعودی شما اجازه ای که گرفته بودید راجع به پیشنهاد آقای مکی بود که پس گرفتید .

مسعودی - بنده بعنوان موافق با اعتبارنامه آقای تقی زاده میخواهم صحبت‌کنم .

رئیس — بعنوان موافق میخواهید صحبت کنید ؟ موافق که محلش تمام شده است حالا می خواهید بفرمائید صحبت کنید .

امیرتیمور - بنده چون مخبر هستم عرایضم ناتمام است.

رئیس — یك مرتبه صحبت کرده اید در جلسهٔ قبل .

امیرتیمور - عرایض بنده متممی‌دارد که باید متمم عرایضم را عرض کنم این‌حق برای من‌محفوظ است و بنده ازجناب آقای مسعودی تمنا می کنم اجازه بفرمائید عرایضم راتمام کنم بعد اجازه جناب عالی محفوظ است .

رئیس - دومرتبه که نمیشود صحبت کرد .

امیرتیمور - عرض کردم بنده متممی دارم.

رئیس - شما دیگرحق نداریدصحبت بکنید.

امیرتیمور - شما آقا نمیتوانید این حق را ازبنده ساقط کنید .

رئیس - شماروزگذشته متممی نفرمودید واز پشت تریبون پائین آمدید .

امیرتیمور - بنده در جلسهٔ گذشته بواسطهٔ نقاهت ، بواسطه ضعف مزاج عرایض خودم‌را به اختصار کردم وعرایض بنده ناتمام ماند وباید تمام بشود زیرا جواب آقای اسکندری تمام وکمال‌داده خواهد شد .

رئیس - بفرمائید بنشینید .

امیرتیمور - حق مخبر را که نمیشود ضایع کرد،مخبرهمیشه حق‌دارد حرف‌بزند.

رضوی- نظامنامه میگوید رئیس وقتی‌اجازه بدهد اجازه‌اش قطعی است.

رئیس- حالا آقای مسعودی‌بایدصحبت کنند

امیرتیمور - حق مخبرهمیشه محفوظ است و چندین مرتبه میتواند صحبت کند .

رئیس - آقای مسعودی بفرمائید.

عباس مسعودی - قبل از اینکه عرایض خودم را شروع کنم ازآقایان محترم تمنی دارم‌که بعرایض من‌توجه فرمایند ومخصوصاًتمنی دارم‌قدری حوصله وشکیبائی بخرج دهند تاهمهٔ حرفها اینجا زده شود وغبار شبهات برطرف گردد من تقی زاده را پاکتر ومنزه تر ومعروف تر از این میدانم که از او دفاع کنم ویا اورا دراینجا معرفی نمایم ویا ازآقایان نمایندگان محترم تقاضا کنم باعتبارنامه و صلاحیت او رأی بدهند .

تقی‌زاده را چهل سال خدمت گرانبهای‌سیاسی وادبی وعلمی او بملت ایران معرفی کرده ودرهمین تالار ودرهمین مجلس - در مجلس هائی که امثال مرحوم مشیرالدوله ومرحوم مستوفی‌الممالك ومرحوم مدرس وآقای مؤتمن‌الملك بوده اند باعتبار نامهٔ او رأی داده اند وصلاحیت او را برای نمایندگی ملت تصدیق کرده اند و حتی ستوده اند .(صحیح‌است) همینطور که من خودرا بی نیاز ازمعرفی ودفاع از آقای تقی‌زاده میدانم لازم هم نمیدانم دربارهٔ آقای عباس اسکندری و کتاب آرزو و هدفها و مقاصد ایشانهم صحبت کنم ایشان را هم خوشبختانه هم آقایان محترم وهم‌ملت ایران خوب میشناسند(صحیح است) واگر لازم شد روزی کتاب وپروندهٔ ایشان هم روی این میز گسترده خواهد شد اما نه ازنوع کتاب وپرونده ای که ایشان برای آقای تقی زاده باز کرده بودند، آنوقت مردودی که در آن جز لعنت نیست بهتر شناخته خواهد شد (امیر تیمور - صحیح است) بنده اینجا آمده‌ام تاسفسطه هائیرا که دربارهٔ آقای‌تقی‌زاده‌شده واسنادی‌را که آقای‌عباس میرزای‌اسکندری برعلیه‌آقای تقی‌زاده پیدا کرده‌اند تجزیه وتحلیل کنم. مهمترین‌سند آقای عباس‌میرزای اسکندری که درجلسهٔ قبل همی دور سر میگرداند

وبالا وپائین میبرد وفریاد میکرد سند خیانت‌ورشوه گرفتن تقی زاده است وحتی حوصله نمیکرد که بموقع خودش وقتی‌صحبت ازنفت میکند آنرامطرح نماید. مجله‌لندن نیوز بود که اظهار کردندسرجان سایمون وزیر مالیهٔ آنروز انگلستان در آن نوشته که برای‌تجدید امتیازنفت دولت انگلستان‌سه‌میلیون لیره پرداخته و سعی داشت اینجور وانمود کند که این سه میلیون لیره توی جیب تقی زاده رفته است حالا بنده قضیهٔ این سه ملیون را وقتی صحبت‌ازنفت درمیان آمد برای آقایان خواهم گفت که برطبق مادهٔ۲۳ امتیازنامه‌بوده وبگماه پس‌ازامضای‌امتیازنامه بوسیلهٔ کمپانی بخزانهٔ دولت ایران واصل شده ودر جزو درآمد دولت هم منظور شده است درهرحال آن اولین سند وبزرگترین حربهٔ آقای اسکندری بود برعلیه تقی‌زاده که هی از وسط کاغذ ها بیرون میاوردند ونشان میدادند وطوری ژست و حرکت بخودشان‌میدادند که برای‌منهم شبهه‌دست داده بودکه خدایا این‌سندچیست؟تقی‌زاده وسه‌ملیون‌لیره یعنی‌چه؟

بهر حال بنده اگر موضوع‌مجله لندن نیوزراعرض کردم‌بطور معترضه بود. حالا برویم برسرنقاط‌ضعفی که حضرت والا بقول خودشان پس ازدهسال‌تجسس در تاریخ، در زندگی چهل‌سالهٔ سیاسی آقای تقی زاده‌پیدا کرده اند. این نقاط ضعف دو چیز بود یکی متحصن شدن آقای‌تقی زاده پس ازتوپ‌بستن مجلس در سفارتخانهٔ انگلیس ودوم مسئله تجدید امتیاز نفت جنوب.

در قسمت اول راجع بمتحصن شدن آقای تقی زاده در سفارت انگلیس حق‌این بودکه این‌موضوع را آقایانی مانندآقای‌محمود محمودتوضیح‌میدادند. برای اینکه ایشان از روز اول جشن مشروطیت با تقی‌زاده بودند و از میزان فداکاری و شجاعت و دلیری و پایداری تقی زاده در آن ایام و بعد از آن خوب آگاهند در هرحال (آقایان) آنروز که تقی زاده بسفارت انگلستان پناهنده شد اولا تقی‌زاده تنها نبود اشخاص زیادی مثل آقای قاسم صور و آقای علی اکبر دهخدا و مرحوم خیابانی و در حدود۲۰۰ تن ازآزادیخواهان بنام ومعروف نیز بسفارت انگلس پناهنده شده بودند و بطور قطع و یقین و بموجب اسناد و مدارك مسلمی که‌در دست است اگر تقی‌زاده و دهخدا بدست لیاخوف‌و شاپشال‌ودژ خیمان‌باغشاه میافتادند هیچیك جان‌سلامت بدر نمیبردند (صحیح‌است) مرحوم محمدعلی‌میرزا مکرر گفته بود که من حاضرم صدای هفت تیر را درگوش بشنوم ولی صدای تقی زاده را نشنوم و بطور قطع و یقین‌بامرمحمدعلی میرزا آنها راکشته بودند و اگر محمد علی میرزا بفرض محال نسبت بآنها ترحم میکرد ، چون نقشهٔ کشته شدن آنها مانندنقشه بمباران مجلس‌وکودتای لیاخوف بموجب سندی در ارکانحرب فققز طرح شده‌بود شاپشال ولیاخوف آنها را میکشتند.

گذشته ازاینکه‌اگر تقی‌زاده ودهخدا که باهم‌متحصن شدند و با هم تبعید گردیدند برای حفظ جان خود بسفارت انگلیس پناهنده‌شده‌اند گناه‌غیر قابل‌غفرانی نکرده اند تازه این عمل آنها بر خلاف عرف و عادت آنزمان نبوده است، زیرا درآن‌هنگام‌انگلیسها بآزادیخواهان ایران کمك میکردند و ملیون ایران هم‌از کمك ومساعدت‌آنها بنفع وطن و کشور عزیز خود استفاده میکردند و عجب اینجاست که خود آقای اسکندری هم باین حقیقت اعتراف‌کرده‌اند و باین موضوع درجلددوم کتاب آرزوی‌خود،همین کتاب آرزوی‌خودایشان در صفحه (۱۲۰)اشاره کرده‌اندکه حالا بنده برای آقایان میخوانم دولت انگلیس برای منافع‌مستعمرات قارهٔ آسیا تاحدامکان از تجاوزات جهانگیری روسیهٔ تزاری مخالفت بعمل آورد و باید تصدیق کردکه این اقدامات اگر چه بمنظور نفع امپراطوری‌بریتانیا بود ولی ملت ایران هم از آن سهم و بهرهٔ برد و بالاخره باکمك‌های آنها اساس حکومت محمد علیشاه برهم خورد و تهران از طرف قوای ملیون فتح گردید.

بنا بر این نمیتوان گفت اگر آقای تقی‌زاده و دهخدابسفارت انگلیس‌پناهنده‌شدندخیانت کردند.

(یمین اسفندیاری آقای مسعودی یك نکته را فراموش فرمودید تقی زاده اول بمجلس‌پناهنده شد و بعد بسفارت رفت) حالا بآنهم میرسیم یا آقای حکیم‌الملك‌و برادر ایشان مرحوم‌نظم‌السلطنه و مرحوم ممتاز الدوله رئیس مجلس و جمع دیگر که بسفارت فرانسه‌پناهنده شدند،علی برخلاف مصلحت کشور کردند و یا در واقعه هجوم روسها به تبریز که جمعی از آزادیخواهان در شه بندری عثمانی‌از ناچاری پناهنده شدند خیانتی بایران کردند آن‌ایام در عرف و عادت مردم زمان پناهنده شدن بسفارت عیب و عار شمرده نمیشد بخصوص انگلیسها که در برابر فشار روسهای تزاری که با جرقراری رژیم مشروطیت در ایران مخالف بودند با ملیون ایرا. کمك میکردند. این بودماهیت وجریان ملحق‌شدن تقی زاده بسفارت انگلیس که باآن همه آب و تاب آقای‌اسکندری بیان کردند امااینکه آقای‌اسکندری گفتند که‌خوب بودتقی‌زاده‌تن‌بکشتن‌میدادو برای‌حفظ جان خود باجنبی پناه نمیبرد بنده اینجا عرض‌میکنم ما که اکنون اینجا جمع شده ایم و از پرتوقانون اساسی استفاده میکنیم ما و عموم ملت ایران و آزادیخواهان باید راضی و ممنون باشندکه تقی‌زاده و دهخدا جان خود را برایگا از دست ندادندزیرا اگر فرضاً دهخدا تن بکشتن‌داده بود امروز کشور ما از ثمره ۴۰ سال رنج و زحمتی که ایشان برای احیاءزبان و ادبیات و لغت ایران کشیده‌اند(صحیح است)وآقایان عموماً ازاهمیت‌آن واقفند بی‌بهره‌بود (صحیح‌است) واما تقی‌زاده‌ازترس‌جان‌نبود که برای زنده‌بودن وحفظ‌حیات‌خود تلاش کردزیرا اگربرای حفظ جان بود لازم بود هنگامیکه او را از ایران تبعید کردند دست از فعالیت خود بر دارد ولی بطوریکه همهٔ‌آقایان آگاهید تقی‌زاده پس‌از اینکه از ایران تبعیدشد بهیچوجه‌دست‌از فعالیت و کوشش خود برای تجدید آزادی و مشروطیت در ایران‌بر نداشت و در تأسیس انجمن سعادت در خاك عثمانی و کمکهائی که آن انجمن بآزادیخواهان تبریز نمودنیز تأثیر بسیاری داشت و خود او هم پس از چندی بآزادیخواهان تبریزپیوست اینجا دیگرآقای ممقانی بهتر از همه آگاهند که چه اندازه برای تجدید آزادی و مشروطیت ایران در تبریز تلاش کرد پس اگر تقی زاده تن بکشتن نداد برای این بود که جان خود و زندگانی خود را برای خدمت در راه وطن وپیشرفت مشروطهٔ ایران ذخیره کرد. (محمد علی مسعودی- صحیح است) و همه‌میدانید و تصدیق دارید که این جان چقدر ارزش‌داشت.

اما اسنادونامه هائیکه آقای اسکندری‌خواندند.

آقای اسکندری در اینجا نامه هائی که اکثراً از کتاب آبی انگلستان اقتباس شده و در کتاب آرزوی خود آنها را نقل کرده‌اند خواندند و با مهارت مخصوصی خواستند این طور وانمود نمایند که تمام این جریانات بخاطر تقی زاده و برای حمایت اوبوده است، در صورتیکه همین کتاب آرزوی ایشان واسنادی که‌در آن‌لابد بقصدمخصوص جمع کرده‌اندخلاف‌این مطلب‌راثابت‌میکندموضوعی که‌سبب شده‌بود سفارت انگلیس درتهران از محمد علی میرزا رنجش حاصل کند وموجب‌شد که وزیر امور خارجه ازطرف دولت ایران ووزیر دربار از جانب شاه بسفارت انگلیس بروند و رسماً معذرت بخواهند بطوریکه همین اسنادی که آقای‌اسکندری در کتاب خود جمع کرده‌اند حکایت میکندبواسطه این‌بود که‌قزاقها و سربازان محمد علی شاه سفارت انگلیس رامحاصره کرده بودند و مزاحم بعضی از اتباع انگلیس و کسانی که در سفارت آمد و رفت داشتند شده‌بودند وبرای اینکه آقایان بدانند من‌از خود اینحرف‌رانمیزنم تلگرافی‌راکه پادشاه‌انگلستان بمحمد علی‌میرزا نموده ازصفحه ۱۱۹ کتاب آرزوی آقای اسکندری برای شامیخوانم متن تلگراف‌ا- وارد هفتم پادشاه انگلستان که‌توسط وزارت‌خارجه انگلیس وسفارت‌انگلستان در تهران‌درجواب محمد علی شاه مخابره شده است.

تلگراف سرادواردگری‌بسترمارلینك وزارت خارجه ۲۹ژوئن ۱۹۰۸ لطف نموده‌ترجمهٔ‌تلگراف ذیل را که از طرف اعلیحضرت پادشاه انگلستان بعنوان شاه‌ایران مخابره شده تقدیم نموده سوادآن رانزد وزیر امور خارجه بفرستید.

«تلگراف۲۶شهر جاری اعلیحضرت شماواصل گردید من‌بهیچوجه من‌الوجوه میل‌نداشته و منافعی برای خوددر نظرندارم که‌در امورات داخلی‌مملکت شما دخالت‌نمایم وامید دارم‌شمادر آنمملکت ازروی عدالت وانسانیت‌سلطنت‌خواهید فرمود کسیرا بتحصن درسفارت تهران دعوت ننموده‌ایم واگر چه‌بعضی‌از رعایای شما از ترس‌جان خود خواسته‌اند در آنجا پناهنده شوند اعلیحضرت شما بخوبی آگاه هستند درمملکت شما مرسوم‌نیست که ازپناه دادن باشخاصی که‌مقصر جنحه وجنایت باشند امتناع‌شود وآنهائیکه فعلا در سفارت من میباشند همینکه تأمینات صحیحه داده شود از آنجا خارج خواهند شد اینکه در تلگراف آن اعلیحضرت اظهارشده که‌شارژدافرمن مفسدین رابسفارت‌دعوت‌نموده‌بکلی‌مغایر باحقیقت‌است چون‌او برحسب‌عادات‌معموله آنمملکت‌عمل‌نموده‌مردم‌را بتحصن‌درآنجا تشویق وتحریص ننموده است اعمال عساکرشما که سفارت مراه‌محاصره‌نموده‌واشخاصی‌راکه بیرون‌میآمدند دستگیرمیکردندتوهینی‌است که‌نمیتوان تحمل آنرا کرد و هر گاه اقدامات فوری برای انتهادادن اوضاع بعمل نیاید من ودولت من ازروی بیمیلی مجبور خواهیم گردید که اقدامات برای‌حفظ شئونات بیرق خود بنمائیم» در این نامه بطوریکه

ملاحظه نمودید نامی‌از تقی‌زاده نیست و علت‌رنجش سفارت انگلیس کاملا روشن است در سایر نامها و تلگرافات هم‌هر جا نام‌برده شده نام از متحصنین بطور کلی است که عده آنها چنانچه عرض کردم دویست نفر بوده‌اند.حالا برویم برسرموضوع‌خروج تقی‌زاده از ایران در اینجا هم آقای اسکندری آنچه قوه تصور و تخیل ایشان اجازه میداد سعی کردند مطلب را بزرك کنند و آب وتاب ورنگی بدان بدهند در صورتیکه حقیقت‌این‌است که‌تقی‌زاده بمیل خود از ایران خارج نشد بلکه محمد علی‌میرزا اصرار درتبعید تقی زاده و چهار نفر دیگرازایران داشت و بدین شرط رضایت داده بود که‌دویست‌نفر متحصنین‌سفارت انگلیس را عفو کند و تقی زاده و زعمای مشروطیت از ایران نفی‌بلدشوند (صحیح است) و در این موضوع هم اسناد و مدارکی که آقای اسکندری در کتاب خود آورده‌اندهمه نشان میدهند که این امر فقط‌وفقط باصرار خود محمدعلی میرزا صورت گرفته و نه تقی زاده و برای نمونه یکی از این نامه‌ها را باز از کتاب آرزوی آقای اسکندری‌برای شما میخوانم.درصفحه۱۲۱ تلگرافی است که مستر مارلینك به سر ادواردگری میکند ممکن است بعضی از متحصنین از قبول شرایطی که بالاخره مابین‌دودولت برقرارشود امتناع‌ورزیده محض آنکه سفارت اعلیحضرتی را آلت پیشرفت پلتیکی خود قرار دهند بخروج ازآنجا مایل نباشند هر گاه اشخاص‌مذکور را بدولت‌ایران تسلیم نمائیم تأثیر آن در ایران غیر مستحسن خواهد بود و از وصول تعلیمات‌شما در این‌باب‌خوشنودخواهم گردید. در هرحال این واقعه‌که برای آقای تقی‌زاده اتفاق افتاده یك موضوعی است که نه‌خود آقای تقی زاده پنهان کردند ونه‌برهیچیك ازرجال وآزادی‌خواهان صدر مشروطه ایران پوشیده‌بوده است ونه‌هیچکس قبل از آقای اسکندری آنرا دلیل خیانت آقای تقی‌زاده دانسته‌است ، درباره سیدحسن حبل‌المتین، امیر حشمت نیساری،بهاءالواعظین ، محسن‌نجم‌آبادی محمد علی‌خان تربیت. مؤیدکاشانی که همه‌ازآزادی- خواهانی بودند که دچار سرنوشت آقای تقی زاده شدند چه میفرمائید در باره آزادیخواهان تبریزاز قبیل حاجی مهدی آقاکوزه کنانی که درحقیقت پدر مشروطیت بشمار میرفت و حاجی محمد تقی چاپچی که از مجاهدین درجه اول راه مشروطیت بودوچند نفر دیگر که بعداً روسها آنهارا اعدام کردندمرحوم شریف زاده — آقای میرزا حسین واعظ و جمع زیادی که همه به‌قونسولگری های انگلیس وعثمانی متحصن گشتند چه میفرمائید ؟ تمام وکلای مجلس اول بعد از بمباران مجلس در قلهك متحصن شدند زیرا قلهك تاقبل از طلوع‌سلطنت اعلیحضرت‌پهلوی در نتیجه فرمان لغو بی معنی و بی منطق مرحوم فتحعلی‌شاه، انگلیسها آنجا را خاك خود میدانستند وتا ورود مجاهدین بریاست مرحوم سردار اسعد به تهران در آنجا بودند و حتی بعداز آنکه مرحوم سردار اسعد وارد شد وبآنها سفارش دادکه‌بتهران بیایند چون راه در دست پیروان محمد علی میرزا بود جرأت نکردند بجز آقای حکیم‌الملك همین آقای حکیم‌الملك‌که خود را ازآنجا خارج کردند و بتهران رساندند. این‌امر ساده را آقای‌اسکندری دلیل خیانت آقای‌تقی‌زاده آورده اند واگرمردمانی نظیر مرحوم مشیرالدوله ومدرس ومستوفی‌ومؤتمن- الملك هم‌که درهمین مجلس درادوار گذشته تقنینیه باآقای تقی‌زاده همکاری میکرده‌اند درنظر ایشان لابد خیانت بوده است .

از این قسمت میگذریم و اما مسئله نفت :

اولا دراینجا بنده لازم میدانم عقیدهٔ خودم را عرض کنم که من شخصاً مدافع یا طرفدار امتیازیا تجدید امتیاز نفت نیستم و آرزو دارم که خداوند بماوباین مجلس‌توفیق عنایت فرماید‌که تمام‌امتیازاتیرا که اجانب در کشور ما تحصیل کرده اند از بین ببریم (صحیح است) ومنابع ثروت مابدست خودمان بیفتد (صحیح است) وکشور ما از مداخلات‌اجانب اعم از اقتصادی و سیاسی بر کنار گردد (صحیح است من همانطورکه بکرات در روزنامه‌اطلاعات نوشته ام باید کوشش و مجاهدت کنیم دست‌اجانب از ایران کوتاه گردد (صحیح است) وهمسایگان معظم ودوست مابابد بجبران زحمات وخسارتهائیکه دولت و ملت ایران در راه‌پیروزی آنها دراین‌جنك متحمل شد در باره ملت ایران گذشتهائی بزرك بنمایند و اگر آنها گذشت نداشتند ملت ایران و نمایندگان ملت باید در تقویت روح ملی و پیروی از سیاست ملی و تکیه کردن بر افکار عمومی بدون توجه بهیچ بیگانهٔ با قطع ایادی و نفوذ هر بیگانهٔ دست باصلاحات زند و منابع ثروت خود را بکار بندد (یمین اسفندیاری - صحیح است)

اما راجع بمسئله تجدیدامتیاز نفت جنوب بنده در اینجا باید عرض کنم که اولا نماینده دولت‌هنگام مذاکره برای تجدید امتیاز نفت تنها تقی زاده‌نبوده بلکه‌مرحوم فروغی وزیر امور خارجه وقت، مرحوم داور وزیردادگستری وآقای علاء وزیر مختارایران در پاریس در آنزمان این چهار نفر نماینده دولت ایران بودند وگذشته از این‌که عموم آقایان‌تصدیق دارند که نه مرحوم فروغی و نه علاء و نه داور و نه تقی زاده کسانی نبوده اند که عالماً و عامداً بضرر و زیان ملت ایران‌قدمی بردارند(صحیح است) پرونده‌امر و اطلاعاتی که در این موردهست همه حکایت از این میکند که این چهار نفر رجال پاکدامن و شریف ایران که متأسفانه دو نفرازآنها اکنون درگذشته اند تا آنجا که در قوه و قدرت‌و توانائی آنها بوده درلایحه تجدید امتیاز برای‌حفظ حقوق ایران مجاهدت کرده اند (امیر تیمور — صحیح است) و البته آقایان وقتی میخواهند در این موضوع قضاوت کنند باید تمام اوضاع‌واحوال سال ۱۹۳۳ را که این واقعه در آن تاریخ روی داده‌وقدرت‌ونفوذی راکه انگلستان‌درآن‌تاریخ‌درتمام اقطار جهان‌مخصوصاً در جامعه اتفاق مال داشته در نظر بگیرند وبعدمواد امتیازنامه جدید را با امتیاز نامه‌دارسی بسنجند آنوقت ~~قضاوت نمایند~~

بطور قطع اگر آقایان بدین‌شکل که‌عرض شد موضوع را مورد مطالعه قرار دهند آنوقت تصدیق خواهندکرد که تقی زاده در اینجا هم تا جائی که قدرت و اقتدار داشته در راه‌حفظ منافع کشور خود کوشیده‌است.

امتیازنامه دارسی که مرحوم رضاشاه‌فقید دستور الغای آنرا درسال۱۹۳۳ صادر کرد بمنزلهٔ‌زنجیری بود که برمنابع‌ثروت کشور پیچیده شده‌بوداین‌زنجیر با الغای امتیاز نامه پاره‌شد و ایران از لحاظ نفت وجههٔ بین‌المللی پیدا کرد زیرا بموجب امتیاز نامهٔ دارسی منطقهٔ نفت تمام کشور ایران بود باستثنای پنج ایالت‌آذربایجان — گیلان — مازندران- گرگان و خراسان این منطقه عظیم محدودگردید بیکصد هزار میل مربع از کرمانشاهان بخط مستقیم تابندر عباس که شرکت متعهد گردید در ظرف سه سال نقشه‌برداری کند و نقاطیکه در نقشه وجودنداردازاز منطقه‌نفت خارج وآزاد باشد.

از این مهمتر در نتیجه الغای امتیازنامهٔ‌دارسی انحصار لوله کشی نفت در ایران از دست شرکت نفت خارج شد وهمین انحصار و ممنوعیت لوله‌کشی بود که تمام منابع زیرزمینی ایران‌را ونقاط دیگر بی‌ارزش و مصرف ساخته بود زیرا موادنفتی باید با لوله تا سواحل دریا انتقال یابد و لوله‌کشی در منطقه امتیاز دارسی محال بود. تا این‌ماده‌بوددست ملت ایران باز نبود برای اینکه چطور میتوانست نفت‌خودش‌را استخراج بکند ؟ برای‌اینکه‌لوله‌کشی که دست انگلیس ها بود چطور میتوانست این کار را بکند ؟.

اما از لحاظ مالی نیز تغییرات محسوسی در امتیازنامه جدیدظاهر شده‌است امامندرجات لندن- نیوز و موضوع سه میلیون لیره که شرکت‌نفت‌موقع تجدید امتیاز داده‌است خوب بود آقای اسکندری بجای زحمت تهیهٔ مجله که پانزده سال پیش انتشار یافته و یك مجلهٔ ماهیانهٔ کم انتشاری است بر میداشتند متن امتیازنامهٔ جدید را یکبار مطالعه میکردند وبعدمیرفتند ورسیدگی وتحقیق مینمودندتا حقیقت را دریابند و بی جهت به اشخاص تهمت و افترا نزنند.

صحیح است سه‌میلیون لیره ازشرکت گرفته‌اند اما این پول رشوه نبوده است بلکه بابت مطالبات معوقه دولت ایران بوده‌که ازچندسال قبل از الغای قرار داد مورد مذاکره و اعتراض و شکایت بوده و شرکت نفت‌هم دعاوی داشته بابت مخارجی‌که جهت استقرار امنیت منطقهٔ نفتی نموده بود و بالاخره در ضمن حل سایر مسائل بکیفیتی که در امتیاز نامه تصریح گردیده حل و تصفیه شده و دیناری ازآن تفریط نگردیده وعیناً بخزانه‌دولت وارد شده و در دفتر وصول درآمد وزارت‌دارائی ثبت شده است

مهندس رضوی — لازم بتذکر نیست که ایراد ملت ایران به‌تمدید قرار داد است (صحیح است) بنده خودم موافق آقای تقی‌زاده هستم‌ولی شما ایراد ملت ایران را هم بفرمائید ،

عباس مسعودی — بنده در مقدمهٔ‌عرایضم عرضکردم هر روزی که ملت‌ایران بخواهد وبایستد میتواند هر اقدامی بکند چنانکه کردند و چنانکه شد و چنانکه الان هم میشود . عرض کنم ازسال ۱۹۳۳ تا بحال سه بار دولت ایران نسبت باین امتیاز نامه اعتراض کرده و اعتراضاتش بجا و بحق هم بوده یکی در سال ۱۳۱۹ . مطابق آن امتیاز

نامه مبلغی که باید بدولت ایران پرداخته بشود حد اقلش ۷۵۰ هزارلیره معین شده‌بود در سال ۱۳۱۹ رضاشاه دستور داد اعتراض کنندکه ما قبول نداریم و شکایت کردگفت شما بلکه بخواهید ابداًاستخراج نکنید و بما پول ندهید و منافع ما را تأمین نکنید دراین‌جاباید یك حداقلی قائل بشوید و حد اقل‌را از ۷۵۰ هزار لیره بچهار ملیون لیره بالا برد چرا اینکار راکردند ؟ بر طبق بند ۲ ماده ۱۱ دولت ایران این کار راکرد و نظر خودش را قبولاند سه سال‌این امر جریان‌داشت‌البته‌دوسال‌اول نتوانستند میزان استخراج را باندازه ای برسانند که ٤ملیون را تامین کنند برای اینکه اول جنك بود ، لندن بمباران بود و وسایل نداشتند که نفت را بیشتر استخراج کنند . درسال ۱۳۲۱دو باره این‌اعتراض شد یعنی سه سال که تمام شد در آنموقع باز باتکاء همان ماده ایران شکایت کردو طبق همان ماده باز مجبور شدند و شکایت ایران را قبول کردند که خود تقی زاده موقعی‌که در لندن بود در این کار فوق‌العاده اهتمام کرد و این قرار داد را مادام که جنك ادامه دارد قبولاند بآنها این دومرتبه، مرتبه سوم سال گذشته است که باز متکی باین ماده بود این که عرض کردم زنجیر را پاره کردند برای این بود که بموجب امتیازنامه دارسی شماهیچ نمیتوانستید تکان‌بخوریدولی‌امروزهمه کاری‌میتوانید بکنید(عباس اسکندری‌ازقراردادددفاع‌نکنیدآقا)ولی‌امروزآرزوی من اینست که همین قرار داد نفت جنوب را هم لغو بکنیم واین آرزوی من‌و هرفرد وطنپرستی‌است که بهیچ خارجی وبهیچ‌بیگانه‌هیچ‌چیزندهیم صحیح‌است) ملاحظه میفرمائید سفسطه و هو و جنجال چقدردر این کشور دامنه‌دارشده‌که حتی از اتهام‌نسبت بیکی از رجال شریف و پاکدامن ایران نیز خود داری ندارند .

در خاتمه عرایضم از آقایان همکاران محترم اجازه میخواهم یك نکته را هم عرض کنم (آقایان) ماکه‌دراین کشور زندگی‌میکنیم، ماکه‌سمت‌نمایندگی ملت راداریم، ما که حافظ قانون اساسی و آزادی هستیم در پیشگاه تاریخ، درپیشگاه خدا و وجدان و بالاخره در برابر نسل آینده و فرزندان خودمان یك مسئولیت بزرك اخلاقی داریم و آن مسئولیت بزرك این است که اگر میخواهیم کشور ما زنده بماند فرزندان ما در این کشور سعادتمندشوند تاید در برابر فضیلت و تقوی سرتسلیم وتکریم فرود آوریم (صحیح است) و نسبت برجال با فضل‌وتقوی وکسانی که یك عمر برای سعادت این ملت‌مجاهده و فداکاری کرده‌اند حق شناس باشیم صحیح است) وکاری کنیم که در این کشور فضیلت وتقوی‌تشویق شودوجوانان‌وفرزندان‌ماکمراه‌نشوند(صحیح‌است)شما ملاحظه کنید بامرحوم فروغی باآنهمه‌فضل‌وبینش‌وبا آنهمه‌خدمت‌بسیاست وعلم وادب‌در این کشور چه معاملات شد ؟ آقایان همه میدانندکه‌باین مردشریف و بزرگوار چه تهمت های ناروائی زدند، وباز همه میدانندکه او از دست این‌زخم زبانها وحق ناشناسی ها دق کرد ،بلی دق کرد درحالیکه پس از مرك وقتی بحساب زندگی اورسیدید دیدیدکه جزنیکنامی ذخیرهٔ نداشته است (عباس اسکندری - از موضوع خارج است) هیچ خارج نیست. آقا، مرحوم فروغی یکی از آن چهار نفری بودندکه در آن کمیسیون بودند بعلاوه شما حالا حق ندارید حرف بزنیدبعداً نطق و حطابه‌تان‌که خیلی خوبست کتاب هم دارید میتوانید بیائیدحرف بزنید. آقای علاء در این سال های اخیر این همه فحش و ناسزا باو دادند برای اینکه مردانه از منافع کشور خود دفاع میکرد من (آقایان) خودم شاهد و ناظر فعالیت های شبانه روزی این مرد شریف‌که بدون تردید یکی‌ازعوامل مؤثر نجات آذربایجان بود بودم. (صحیح است) او صحت و تندرستی خود را برای خاطر وطن ازدست داد وامروز سخت بیماراست مابرای‌حقشناسی ازچنین مرد پاکدامن و فداکاری چه کردیم ؟ جز اینکه یك طومار فحش و ناسزا اشخاص مغرض نثار او کردند (محمد علی مسعودی - مظفر خائن فحش داد) اما تقی‌زاده ، من میدانم رفقای تقی زاده و مخصوصاً آقایان آذربایجانیها میل ندارندکه من‌این حرف را اینجا بزنم یقین دارم خود تقی زاده هم باآن مناعت وعزت نفس که درذات او است ازاین حرف من خشنود نخواهند شد ولی من بحکم‌وجدان خود میگویم این مرد پس ازچهل سال خدمت باین کشور یا بقول آقای اسکندری خیانت امروز چه دارد ؟ تقی‌زاده درتمام این تهران یك خانه حتی‌یك اطاق ندارد که امروز وقتی وارد وطن خود میشود درآن مسکن نماید یك فرش ندارد که زیرپای‌خود بیندازد من اطلاع دارم که با اطلاعی که از وضع معیشت درتهران دارد الان که میخواهد بوطن‌خود بیاید دچار نگرانی است که چگونه آبرو وزندگی خودرا اداره کند. ملاحظه کنید این است زندگی تقی زاده در کشوری که یك کارمند جزء پس از چند سال خدمت صاحب همه چیز میشود آنوقت آیا سزاوار است بچنین مرد شریفی که زندگی شخصی او بهترین معرف‌پاکدامنی وبی‌نیازی وتقوای‌سیاسی اواست تاخت آریم. من‌نمیدانم اگر تقی زاده کسی است که میتوان بدو بهتان زد و تاخت آورد پس چه کسی قابل احترام وستودن دراین کشوراست؟ (یمین اسفندیاری - آقای عباس اسکندری) (خنده نمایندگان) خدا را شاهد میگیرم و بتمام مقدسات سوگند یاد میکنم که اگر من امروز درپشت این تریبون از تقی زاده دفاع میکنم وازاین مردتجلیل میکنم صرفاً وفقط وفقط پیروی از دستور وجدان خود میکنم که اقلا بنوبهٔ خود مشوق فضل وتقوی واقع شوم وحق این‌مرد بزرك را که شخصاًهنگامی کهمسئله ایران درشورای امنیت‌مطرح بود ازنزدیك طرز کار ودقت وغور کافی ووطن پرستی اورادیدم بجا آورده باشم . آقایان متأسفانه ما امروزبسیاری ازرجال کهن‌سال صالح‌خودرا ازدست‌داده‌ایم‌یکی‌از آنها کهماندهوآخرین‌روزهای‌عمرخودراطی‌میکندهمین تقی‌زاده‌است‌وظیفهٔ‌ما‌این‌است‌که‌امروزازاین‌مردشریف تجلیل کنیم از تجارب و اندیشه ها و افکار وسیع و پختهٔ او برای نجات کشور استفسار نمائیم و کاری نکنیم که اوهم مانند فروغی بادل پراز غم و اندوه از میان ما برود وفقط تأثر وتأسف برای ما باقی‌گذارد من بعرایض خودخاتمه میدهم وامیدوارم قضاوت حق پرستانهٔ آقایان نمایندگان جبران اهانتی را که نسبت باین مرد بزرك شده است بنماید (صحیح است) .

حاذقی - مذاکرات کافی است .

عباس اسکندری - اجازه بفرمائید .

رئیس — شما طبق ماده ۱۰۹ می توانید توضیح بدهید .

ارباب مهدی - بنده توضیحی دارم.

رئیس - کسی‌که حرف زده آقای‌اسکندری است او باید مطابق ماده توضیح بدهد.

اسکندری - بنده طبق ماده ۱۰۹ توضیح دارم .

رئیس - اگر تصور میکنیدکه توهینی نسبت بشما شده میتوانید توضیح بدهید ، بفرمائید .

عباس اسکندری — آقای مسعودی در مذاکراتی که فرمودند قسمت عمدهٔ مذاکرات بنده را کاملا تحریف کردند،بنده موضوعی‌راکه مذاکره کرده‌بودم وپایهٔ مذاکرهٔ من بودآن‌را بکلی کنار گذاشتند و دلایلی را که برای آن اصل آورده بودم آن دلایل را یك قسمتش را بعنوان تحصن تقی زاده در سفارت انگلیس ... (دکتر اعتبار — اینکه مربوط بتوهین نیست).

رئیس - من خودم بلدم صد دفعه گفتم . آقای اسکندری اگر بیانات شما سوء تعبیر شده میتوانید توضیح بدهید ، آقای محمد علی مسعودی مادهٔ ۱۰۹ را قرائت کنید.

(مادهٔ ۱۰۹ آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی ازطرف آقای محمد علی مسعودی(منشی بشرح زیرقرائت شد) .

مادهٔ صدونهم - اگر درضمن مباحثات ونطقی افترا و تهمتی بیکی از نمایندگان زده شودیاعقیده واظهار او برخلاف واقع جلوه داده شود ونمایندهٔ مذکور برای تبرئه ورفع اشتباه اجازهٔ نطق‌بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد (صحیح است) .

عباس اسکندری - آقای مسعودی نطق بنده را بر خلاف واقع جلوه دادند ، عرض کنم عقیدهٔ بنده درطرح این‌مذاکره ازنظرمنافع مملکت ایران است وخیلی خیلی افسوس میخورم‌که آقایان میفرمایند صحبت نکن بنده هم سربسته ، یك سر - پوشی هم رویش میگذارم و میگویم . بنده می خواهم یك نتیجه بگیرم که لااقل ما درسال ۱۹٦۰ بنفع مملکت و کشور مان دارای عواید بیشتری بشویم ، ازنظر اقتصادی بهتر بشویم (انشاءالله) آقای مسعودی اینجا شرحی بعنوان دفاع از کمپانی فرمودند .

عباس مسعودی - اینطور نیست.

محمد علی مسعودی - مغلطه نکنید آقا هیچکس دفاع از کمپانی نکرده است .

رئیس — پیشنهاد های زیادی رسیده که مذاکرات کافی است (صحیح است) .

عباس اسکندری - بنده مخالفم.

رئیس — یکی‌از آن پیشنهادهاقرائت‌میشود اگر مخالفی‌نبود رای‌میگیریم.

(پیشنهاد آقای ابوالقاسم امینی بشرح زیر قرائت‌شد)

پیشنهاد میکنم مذاکرات کافی است وطبق فرمول‌پیشنهادی آقای دکترشفق‌رای‌گرفته شود. (صحیح است)

رئیس — آقای امینی توضیحی‌دارید؟

امینی - توضیحی ندارد.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرید آقا

رئیس - وقتی مخالف هست من‌نمیتوانم‌رای بگیرم آقای اسکندری بااین پیشنهاد مخالفید؟ بفرمائید ولی فقط دراین قسمت بایدصحبت کنید.

حاذقی - آقای اسکندری دیگر گفتار را بازنکنید .

عباس اسکندری — مختصر است ، خیلی مختصر است ، برای اینکه بنده از نظامنامه تخلف نکنم متن پیشنهاد را ببنده مرحمت بفرمائیدکه در اطراف آن صحبت کنم چون بااین فرمول‌پیشنهادی آقای دکتر شفق بنده مخالفم برای اینکه آقایان نفرمایندتخلف‌شد(عباس مسعودی - آن‌مطرح‌نیست)

ابوالقاسم امینی - پیشنهاد بنده شامل فرمول دکتر شفق‌هم است ، بفرمائیدآقا .

عباس اسکندری — بنده با پیشنهاد کفایت مذاکرات مخالف هستم چرا ؟ برای اینکه موضوعی‌که دراینجامذاکره میشود بعقیده‌من‌اهمیتش بیش‌از آنستکه بایکساعت و دو ساعت بشود اورا کافی دانست ، این‌موضوع اگر درست حلاجی‌شدو درست فهمیده شد و درست رأی داده شد صدها میلیون لیره‌بنفع‌مملکت‌ایران‌است واگر مطلب‌نگفته ای باقی ماند وآقایان هم‌که همه دارای حسن نیت هستند من عقیده دارم شما نماینده های ملت ایران هستید و حسن نیت هم دارید (امامی - باستثنای یك‌نفر) نگفتم داریم خودم‌را هم کنار گذاشتم‌ولی مدعی هستم (یکی‌از نمایندگان- صحیح است)(خنده نمایندگان) عرض کنم‌که من خیال میکنم اگر بیك حقیقت بارزی آقایان پی‌برده بودید هیچ‌داعی نیست که شما بیائید و برای یك نسل بضرر کشور ایران رأی بدهید ، این‌عقیده من است (حاذقی - ماهم رأی نمیدهیم اصلا) این عقیده من‌است آقای حاذقی من واقعاً میدانم آقای حاذقی‌که عقیده شما همین است ، بنده دراینجا مجبور هستم بعرض نمایندگان محترم وملت ایران برسانم‌که صلاح ملت ایران در این‌است‌مراتب‌دوستی وخصوصیت‌باآقای تقی زاده‌را (مسعودی - خارج ازموضوع است) از نظر منافع کشور بکنار بگذارد.

رئیس - دلایلتان را بفرمائید.

ابوالقاسم امینی - بگذاریدصحبت کنند ، این چه‌طرز مجلس‌است ؟

عباس اسکندری - دلایل است و دارم عرض‌میکنم آخر .آقایان شماها از روی اینصورتی که‌اینجا هست .دو چهارده نفرهستید ورقه‌های سفید تان موافقین هم‌که توی جیبتان است دیگر از چه میترسید ؟ میترسیدکه من‌چشم بندی بکنم ورقه‌های سفید کبود بشود ؟ ...

رئیس- درحدودی‌که حق دارید باید حرف بزنید ، شما راجع بکفایت مذاکرات باید حرف بزنید .

معتمد دماوندی- بگذارید حرفشرابزند .

یمین اسفندیاری — حرف‌چی را بزند! ایشان پای نفت را کشیدند توی کار ، صحبت نفت این جا نبود ! هی میگوئید بگذار حرفش را بزند ، خوب بگذار بزند (خنده نمایندگان)

عباس اسکندری - جناب آقای مسعودی بیانات بسیار بسیار خوبی فرمودند و راجع به نفت هم توضیحاتی دادند (یمین اسفندیاری -صحبت نفت رانکنید آقای یمین اسفندیاری ماازوقتی‌که شمارا بریاست شعبه قبول کردیم بسیار بسیار بشما اظهار علاقمندی میکنیم تمنا میکنم‌گوش بفرمائید .

یمین اسفندیاری -علاقمندی شخصی‌مربوط بکار کشور نیست .

عباس اسکندری -آقای رئیس امر بفرمائید صحبت نکنند .

رئیس — نظم مجلس رارعایت نمی فرمائید هی ادامه پیدا میکند من بعد از این اخطار میکنم

عباس اسکندری -من سرموفقیت‌و انحطاط ملل را در همین میدانم که ..

رئیس — این مربوط به پیشنهاد کفایت مذاکرات نیست در آن قسمت ادله خودتان را اظهار کنیم .

عباس اسکندری - ... دلیلش را دارم میگویم اینجا مذاکره شدراجع بشخص آقای‌تقی‌زاده‌که یکی از شخصیت های بزرك ایران هستند (صحیح است) و دلیل آورده شد که ما چشم بسته بواسطه اینکه ٤۰ سال‌گفته شدکه خوبست ما هم رأی میدهیم‌که خوبست(یکی از نمایندگان -اینطور نیست چشم ما باز است) بنده برای اینکه چشم آقایان را بازبکنم عرض میکنم‌که مردبزرگی در دنیابود وحالاهم‌هست مارشال پتن‌فاتح بزرك وردن (زنك رئیس) (همهمه نمایندگان) ...

رئیس -آقا از موضوع خارج نشوید راجع بکفایت مذاکرات صحبت کنید .

عباس اسکندری- این دلیل من‌است.

رئیس - آقا گوش بدهید ماده ۱۱۰ قرائت میشود :ناطق باید ازموضوع مباحثه خارج نشود.

ابوالقاسم امینی -آقا ایشان میگویندباین دلیل مذاکرات کافی نیست .

رئیس — بدلیل مارشال پتن ؟ (خنده نمایندگان)

معتمد دماوندی -میخواهند دلیل‌خودشان را بامثل واضح کنند .

رئیس -شلوغ نکن آقای دماوندی!

عباس اسکندری — جناب آقای رئیس بنده دلایلم رابامثل‌دارم میگویم(بعضی ازنمایندگان بفرمائید آقا) اجازه میفرمائید ؟

رئیس — مختصر بفرمائید .

عباس اسکندری - اطاعت میکنم خیلی هم مختصر است عرض میکنم یك کسی که در مدت ۲۰ سال فرانسه عظمت و اقتدارش را مدیون باو بود ، کسیکه جنك بزرك ۱۹۱٤را بواسطه‌فتحی که او کرده بود در وردن برد این آدم بواسطه اشتباه در سیاست‌یا خیانت، اشتباه را هم‌من‌همینطور میدانم ، آن آدم را دولت فرانسه ، ملت فرانسه محکوم باعدام کرد و الان بواسطه ضعف‌پیری که آقای مسعودی فرمودند او را از اعدام معاف‌داشت والان‌دریکی‌ازجزایراقیانوس‌اطلس حبس است‌نباید دلیل بیاوریم بعنوان اینکه کسی چهل سال اسم خوب داشته،نباید چیزی گفت ، نه ، این دلیل‌نیست شما یکنفری دارید ٤۰ سال هم خیال میکنیدخوب خدمت کرده است برای آن ٤۰ سال خدمت ، پای او را هم می بوسید ، روی سرتان هم میگذارید حالا اگر یك روز آدم کشت میگوئید تمام‌این ها درست‌ولی یك‌طناب میاندازیدگردنش‌واوراآویزان میکنید و چون در گذشته خیلی آدم خوبی بود یك طناب ابریشمی نازك میآورید که زیاد اذیتش نکند (زنك رئیس) (خنده نمایندگان) بی انصافی نکند ، این آقای دکتر شفق دوست بنده‌مرد شرافتمندی است میشناسم ، میدانم ، (صحیح است) من همه آقایان را خوب میدانم، بگذاریدنتیجه‌ای بنفع ملت ایران گرفته شود و همه شماها درجریان تاریخ نبکنام بمانید ،، یکروزی میآید که دراینجا نخواهیم بود آقایان ، من بشماها باز تذکر میدهم، میدانم که همه شماها صاحب یك اراده قوی هستید وبعد هم‌قوه فهم‌وشعور شماها مسلماً بهتر ازدیگران بود والا اینجانمی آمدیدبنشینید (یکی‌ازنمایندگان این دلیل نیست) دلیل است ، آقایان ، این صندلی‌ها که‌اینجارویش‌نشسته‌اید این‌صندلیهاباچوب ساخته‌شده‌حالاهمه‌میگوئیدکه‌عجب کشف‌بزرگی کرد اسکندری وگفت این صندلی‌هاازچوب ساخته شده است اما باقیش را گوش بفرمائید باهمین چوب- تخت سلطنت را هم درست میکنند وچوبه‌دار را هم‌درست میکنند ، روزی، رادرنظر بگیرید که ماها ممکن‌است نباشیم‌امادر ایران اصل مجازات ومکافات آنروز حکم‌فرما شده‌باشد (محمد علی مسعودی - انشاءالله ازحالا برقرار بشود) .

رئیس - آقا ساکت باشید .

عباس‌اسکندری -... ودرآنروز ماهم‌اگر نبودیم مردم میآیند این صفحات را ورق میزنند و دقت میکنند و می‌بینند که‌چه شده است وچه نشده است . در رم‌قدیم مرده‌ها راهم محاکمه‌میکردند، بعدشبیه‌آنهارا باجل ، باکهنه درست میکردند واو را مجازات میکردند ، بدانید که یکروزی در این مملکت اصل مجازات ومکافات‌خواهد بود اختیارهم با خود آقایان است اضافه براین بنده مطابق این سندیکه دردفتر راکد مجلس است رأی باعتبارنامه آقای تقی‌زاده را خلاف قانون میدانم شما کمتراز سی سال نمیتوانید رأی بدهید وبیش‌از ۷۰ سال‌را هم نمیتوانید رأی بدهید اول قانون را عوض کنید بعد رأی بدهید تقی‌زاده مطابق این سند ۷۲ سال دارد (مسعودی - ندارد) در دورهٔ اول آقای‌تقی- زاده وآقای مصدق‌السلطنه‌هردو وکیل‌مجلس‌بودند آقای مصدق‌السلطنه را بعنوان عدم بلوغ سنی از مجلس اول ردکردند واورا قبول‌کردند یعنی آقای تقی زاده بالغ بر سی سال داشته یعنی امروز ۷۲ سال دارد شما نمیتوانید این رأی رابدهید این رأی

شما قانونی نیست. آقایان امروز البته اکثریت دارید ومیتوانید رأی بدهید ورأی میدهید من خدارا بشهادت می‌طلبم که دراین قضیه شرکت ندارم اینهم دستهای من اگر اتفاقاً بکفایت مذاکرات رأی داده نشد بنده دلایل دیگری دارم بعرض آقایان میرسانم.

رئیس — بکفایت مذاکرات رأی گرفته میشود آقایانیکه موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. حالا با رعایت پیشنهاد آقای دکتر شفق که آقایان البته همه شنیده‌اند (دکتر عبده - نشنیده‌ایم دومرتبه قرائت بفرمائید.)

رئیس — آقای مسعودی پیشنهاد آقای دکتر شفق را قرائت کنید.

(پیشنهاد آقای دکتر شفق توسط آقای محمدعلی مسعودی بشرح زیر قرائت شد.)

ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد می کنم راجع باعتبارنامهٔ آقای تقی‌زاده بقید توضیح ذیل رأی گرفته شود:

مجلس شورایملی پس از استماع بیانات آقای عباس اسکندری ...

دکتر معظمی — وموافقین.

رئیس — موافقین هم دارد.

محمدعلی مسعودی — ... وموافقین آقای تقی‌زاده اعلام میدارد که رأی بصلاحیت آقای تقی‌زاده هرگز مستلزم تصدیق ضمنی ازمطالب دیگر سیاسی وحقوقی بتفصیلی که در بیانات آقای اسکندری و موافقین مذکور افتادنخواهد بود. و در این رأی نظر منحصراً بصلاحیت شخصی و جریان انتخابات تقی‌زاده است. دکتر رضازاده شفق (صحیح است)

رئیس - رأی گرفته میشود باعتبارنامهٔ آقای تقی زاده با رعایت پیشنهاد آقای دکتر شفق آقایانی که موافقند قیام کنند (اغلب بر خاستند) تصویب شد.

(در این موقع تماشاچیان ضلع جنوبی سالن تظاهراتی کرده و کف‌زدند.)

رئیس - تماشاچی‌را خارج کنند، تماشاچیان طرف چپ‌را خارج کنید.

یمین اسفندیاری - تنفس بدهید.

رئیس - تنفس لازم نیست مجلس بکار خودش ادامه میدهد.

عبدالرحمن فرامرزی - اجازه بفرمائید.

رئیس — بفرمائید.

فرامرزی - الحمدالله اعتبارنامهٔ آقای تقی‌زاده تصویب شد بنده یک تذکری میخواستم عرض کنم و آن اینست بخاطر دارم یکوقتی در همین مجلس مرحوم شریعتمدار دامغانی رفت پشت آن تریبون و گفت اکثریت رأی اقلیت راخفه میکند ولی حرف اقلیت را نباید خفه بکند اساساً اقلیت و اکثریت در مجلس برای این درست شده‌است که اقلیت حرف خودش رابزند و اکثریت گوش کنند و به بینند حرفش وارد هست یاوارد نیست، اگر دیدند حرفش وارد نیست رأی رابر خلاف حرف اومیدهند واگر دیدند حرفش وارد است چون نظرشان صلاح مملکت است، چون نظرشان حقیقت است، چون نظرشان دسته‌بندی وپشت‌هم اندازی نیست وبرای مملکت کار میکنند حرفهایشان را می‌پذیرند ولی متاسفانه دراین مجلس حرف اقلیت را خفه میکنند، آقای عباس اسکندری این مخالف منحصر بفرد بود، مردم مناسبات من را باآقای تقی‌زاده میدانند ولی یک وکیلی بااینکه میدید که احساسات مجلس اینطور برعلیه اوست بااین شجاعت حرفش رازد، من کار بغرضش ندارم که غرضش خوب بود یابد هر کسی بعقیده خودش غرضش خوبست وبعقیده مخالفش غرضش بداست، این وضع نیست وقتیکه عباس اسکندری می خواست حرف بزند همه توی حرفش میدویدند وقتی که عباس مسعودی میخواست حرف بزند میگفتند کار بهش نداشته باشید، یک بام و دوهوا که نمیشود اگر توی حرف این عباس میشود دوید توی حرف آن عباس هم میشود دوید اگر توی حرف آن عباس نباید دوید توی حرف این عباس هم نباید دوید من استدعا میکنم از آقایان نمایندگان که رعایت اصل آزادی رابکنند کسانیکه باسم آزادی اینجا جمع شده‌اند باوسایلی که خودشان دارند نباید مخالفینشان راخفه کنند چه‌فرق میکند که باطناب ایشان را خفه کنند یا با رأی خفه کنند بنابراین آقایان اجازه بفرمائید که مخالف حرفش را با دلایلی که دارد بزند (آفرین).

رئیس - پیشنهاد آقایان حاذقی وصادقی و اورنك قرائت میشود.

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنیم پس‌از طرح پروندهٔ جناب آقای تقی زاده اعتبارنامه‌های تهران مطرح شود.

مکی - مخالفم.

حاذقی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

حاذقی - روی علل و حوادثی که آقایان محترم میدانند یکسال ونیم مشروطیت ایران تعطیل بوده ودورهٔ فترت پیش‌آمد، خوشبختانه موانعی که در کار بود بر طرف شد و مقدمات افتتاح مجلس پانزدهم فراهم شد تمام مردم مملکت منتظر هستند مجلس کارهای مقدماتی و تشریفاتی خودش را تمام بکند وآمادهٔ انجام وظایفی بشود که‌در قسمت خدمت واصلاحات مملکت وبهبود اوضاع ملت ایران بعهده دارد اعتبارنامهائی مطرح‌شده است و تصویب شده است ولی‌یکی از همکاران محترم، جناب آقای دکتر متین دفتری نسبت بانتخابات تهران اعتراض کرده‌اند وبطوریکه ازایشان کسب اطلاع کرده‌ام ایشان بهیچ وجه راجع بصلاحیت آقایان نمایندگان صحبتی‌ندارند وصرفاً میخواهند تذکراتی و اعتراضاتی که راجع بجریان انتخابات تهرانست بفرمایند و چون (توجه بفرمائید آقایان) ایجاب میکند هرچه زودتر نسبت باین تعداد پرونده‌ها رأی گرفته شود ونظر مجلس شورای ملی معلوم شود بنده پیشنهاد کردم بایکی دونفر از آقایان دیگر که اجازه بفرمائید پروندهٔ انتخابات تهران مقدم‌باشد وافکار عمومی اگراعتراضی بر نحوهٔ انتخابات تمام مملکت دارد این باعث آن نمیشود که انتخابات تهران را مأخیر بیندازیم، البته تمام نمایندگان ملت وافراد ملت امیدوار هستیم که اوضاع واحوال رشد فکری وفرهنك وتعلیم و تربیت ملت ایران باندازه‌ای قوی‌شود که انتخابات درسراسر کشور بتمام معنی آزاد انجام بگیرد وهیچ اعتراضی نباشد وحالا انتخابات بایك نحوه های اعتراض آمیزی انجام شده است بنابراین خواهش میکنم جناب آقای رئیس باین پیشنهادرای بگیرند.

رئیس - آقای مکی.

مکی - بنده بهمین دلیلی که آقای حاذقی فرمودند مجلس شروع کند باعتبارنامه‌ها استناد میکنم که‌چرا تبعیض قائل میشویم، در جلسه گذشته که مورد اعتراض چند نفر از آقایان مدیران جراید هم‌شده بود وحتی‌روزنامه اطلاعات هم اشاره کرده بود که یك تبانی‌شده‌بود که نمیدانم اعتبارنامه آقای تقی‌زاده را با چنین چیزی مواجه کنند (همهمه نمایندگان - تبانی نکرده است) اجازه بفرمائید عرض کنم.

رئیس - این مربوط بآن قسمت نیست

مکی - بنده صبح روزشنبه رفتم خدمت آقای رئیس و گفتم که‌با این جریانات بنده مخالف‌هستم که بر خلاف ترتیب و سابقه در این مجلس عمل بشود. در دورهٔ پنجم مرحوم تیمورتاش ازخراسان وکیل‌شد، شاهزاده افسر در همین مجلس باواعتراض کرد و چون خودش نبود اینجا گفتند پرونده‌اش بماند تاخودش بیاید اینجا و الان در آرشیومجلس موجود است بروید ببینید، برخلاف سابقه‌نگذارید یك کاری بکنند البته‌شخصیت آقای تقی زاده کاملا محفوظ است ولی باستناد آن‌نباید هزار کار خلاف سابقه کرد. پرونده ها بترتیب دارد میآید یك دسته از این آقایان که بهشان اعتراض شده باتمام قوا دارند تشبث میکنند که حتی آقایانیکه تقاضای رأی مخفی کرده اندآرائشانرا پس‌بگیرند اقبال - هیچکس‌همچوکاری‌نمیکند ورأیش را پس نمیگیرد) صحبت یکی دو نفر بود که رأیشان راپس گرفتند (اقبال آنهاضعیف بودند) بله‌بعضی‌ضعفاپس گرفتند بنده ازجناب آقای دکتر متین دفتری استدعامیکنم که مخالفت خودشان را راجع به جریان انتخابات طهران پس‌بگیرند چون‌فقط یکنفر آقای دکترامینی باقیمانده‌است وآقای دکترامینی هم‌چون مورداعتقاد هیئت جوان این‌مملکت هستند بنده بنام‌مجلس شورای‌ملی که همهٔ آقایان میبینم افکارشان موافق با بنده‌است برای‌اینکه این‌سابقهٔ بد دراین مجلس گذاشته‌نشود که هر کس یك پیشنهادی بدهد و بعد هم در اطرافش هزار سوء استفاده بکند مخالفت خودشان را از آقای دکتر امینی مسترد بدارند.

رئیس — رأی میگیریم به پیشنهاد آقای حاذقی که‌انتخابات طهران‌راکه چند-فقره مانده‌مطرح شود. آقایان موافقین قیام فرمایند.

دماوندی (منشی) - ۵۲ نفرقیام کردند.

ذوالفقاری (منشی) - ۴۲ نفر.

(در این‌موقع‌چون عدهٔ موافقین مشکوك‌بنظر آمد برای‌مرتبه دوم اعلام رأی گردید)

اردلان - بنده مطابق مادهٔ ۸۵ اخطار نظامنامه‌ای دارم. چون دومرتبه رأی گرفته شد و نتیجه بدست نیامد برای‌مرتبه سوم با ورقه بایدرأی گرفته شود.

رئیس - بفرمائید یك دفعه دیگر هم رأی میگیریم. آقایان اجازه بفرمائید ماده ۸۴ نظامنامه قرائت میشود: (بشرح ذیل قرائت شد)

نتیجه رأی‌بقیام‌وقعودرارئیس و منشیان‌تشخیص میدهند. هرگاه دفعهٔ اولی نتیجه مشکوك باشد در دفعه ثانی‌بهمان طریق‌رأی گرفته‌میشوددراین‌صورت در میان دفعه اولی و دفعهٔ ثانی کسی‌حق نطق نداردوهمچنان‌اگردفعهٔ ثانی‌هم مشکوك شده و لازم رأی‌گرفتن بواسطه اوراق باشد ما بین این دوعمل نیز کسی حق نطق ندارد.

رئیس - پس یك مرتبه دیگر با همان ترتیب باقیام و قعود رأی‌گرفته میشود.

ملك‌مدنی - پیشنهاد شده است.

دماوندی (منشی) - هنوز نرسیده‌است.

رئیس - چون اعلام رأی شده است پیشنهاد نمیشود کرد، شماکه خودتان نایب رئیس بوده‌اید.

ملك‌مدنی - پیشنهاد کرده بودم که باورقه رأی بگیرید.

رئیس - نمیشودآقا، رأی میگیریم‌به‌پیشنهاد آقای حاذقی آقایانی‌که موافق هستندکه انتخابات طهران وارد در دستور بشود قیام‌کنند (اکثر بر خاستند) تصویب شد.

۲ - تصویب یکفقره اعتبارنامهٔ آقای نیکپور

پیشنهادی راجع به استرداد اعتراض نسبت به آقای نیکپورازطرف آقای‌مهندس‌رضوی‌رسیده‌است که تماماً قرائت میشود.

مقام ریاست مجلس شورای ملی — چون چهل نفر از آقایان همکاران محترم شرحی امضاء و از بنده تقاضا فرموده اندکه اعتراض خودم‌را برعلیه آقای نیکپور مستردبدارم. چون‌اساساًاعتراضات بنده‌نسبت بهریك از آقایان‌که در موقع‌اظهار نموده‌ام‌فقط از نظر اصول و راجع بتأثیر عملیات و اقدامات آنان در جریان امور اقتصادی و اداری مملکت در ۱۵ سالهٔ اخیر بوده وهیچگونه ایراد خصوصی وشخصی نداشته ام علیهذا باحترام درخواست جمع کثیری از نمایندگان محترم‌که رعایت نظریهٔ آنان‌براین جانب واجب است بموجب این نامه اعتراض‌خودم را بر علیه آقای نیکپور مسترد میدارم و چون درطرز و روش سیاسی اینجانب تبعیض و تفاوت بین موارد مشابه جائز نیست بموجب همین نامه اعتراضاتی‌راهم که برعلیه آقایان یمین اسفندیاری و علی وکیلی و عباس اسکندری وتقی خوئیلر تقدیم کرده بودم مسترد داشته امیدوارم در اثر خدماتی که آقایان‌در دورهٔ پانزدهم مجلس شورای ملی خواهند فرمود صدماتی را که ملت ایران‌دیده است جبران نمایند.

مهندس سید احمد رضوی

عدهٔ از نمایندگان - احسنت.

رئیس - پیشنهادی رسیده است که باورقه‌رأی گرفته شود ولی چون ٤ نفر بیشتر امضاء ندارد...

بعضی از نمایندگان — بدهید امضاء کنیم.

دماوندی - گذشته است.

رئیس - وارد رأی هم شده ایم....

ملك مدنی - اجازه بفرمائید.

مکی - مشکوك بود آقا.

ملك مدنی - بنده یکی از امضاء کنندگان آن‌پیشنهاد هستم. این پیشنهاد را موقعیکه‌پیشنهاد اولی شده بود که اعتبار نامهٔ نمایندگان تهران جلو بیفتد ومطابق ترتیب باشد و سابقه نشود که اعتبار - نامه دیگران تأخیر بیفتد بنده و سایررفقا برای‌آن موقع کردیم والا نسبت بآقای نیکپور بنده خودم ازاشخاصی‌هستم که‌موافقت‌دارم‌وصلاحیت‌ایشانرا ازنظر دورندارم بنابراین‌مااین‌پیشنهادرا استردادمیکنیم‌قصدمان مربوط باصل‌قضیه‌است وبنده‌هم‌دراینجاعرض کنم که تخلف ازاصول همیشه‌برای مجلس اشکال پیدامیکند مثل اینکه برای همین ماده هم همین اشکال درست شد، الان‌هم اینکارصحیح نیست والان آقای‌فرامرزی بیانی کردند که بعقیدهٔ بنده صحیح بود مجلس‌نباید هیچوقت ازنظامنامه ومقرراتیکه درنظر گرفته شده است خارج‌شود (زنك رئیس)

رئیس - هروقت ازنظامنامه خارج‌شدآنوقت بفرمائید (زنك ممتد رئیس) بنشینید آقا هروقت‌از نظامنامه خارج شد آقا میتوانید مطابق ماده‌ای که درنظر دارید تذکر نظامنامه ای بدهید.

ملك‌مدنی - قصدم به آقا نبود به آقایان نمایندگان بود.

رئیس - حالا استرداد کردید؟

ملك‌مدنی - بلی.

رئیس — رأی میگیریم بنمایندگی آقای نیکپور از تهران آقایانی که موافق هستند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. پس آقای دکتر امینی مقدم است.

سیدهاشم وکیل - علی وکیلی هم‌استرداد شده است.

رئیس - آقای دکتر متین دفتری حاضرید، بیاناتتان حاضر است؟

متین دفتری - اگر چند دقیقه تنفس‌بدهید بنده خیلی متشکر میشدم.

رئیس - مخالفی باتنفس هست؟

بعضی‌از نمایندگان - مخالفیم باتنفس.

بعضی از نمایندگان - آقای دکتر در مخالفت خودتان باقی هستید؟

دکتر متین دفتری - بنده در مخالفت خودم باقی هستم.

۳ - طرح انتخابات تهران راجع باعتبارنامهٔ آقای دکتر امینی

(بعضی از نمایندگان - تنفس داده شود.)

رئیس - آقایانیکه با تنفس موافقند قیام کنند، (عدهٔ کمی برخاستند) تصویب نشد. آقای دکترمتین دفتری بفرمائید.

دکتر متین دفتری - آقایانیکه با تنفس مخالفت کردند باید یکساعت و نیم عرایض بنده را گوش کنند.

در جلسه اسبق بعد از آنکه مخالفت خود را نسبت باعتبارنامهٔ آقای دکتر امینی اظهار داشتیم درخارج‌از تالار جلسه‌آقای ابوالقاسم امینی‌تهدیدم فرمودند که‌درمشکین شهر خدمت شمامیرسم‌من‌بایشان گفتم که اولا این معارضات‌در مجلس نباید حمل بر اغراض شخصی شود حالا ملاحظه‌خواهید فرمود که بنده‌یك‌کلمه راجع‌باغراض‌شخصی و مسائل‌شخصی در اینجا صحبت نخواهم‌کرد و روی اصول صحبت میکنم بعلاوه بنده خوب پیه تمام مخاطرات را بتنم مالیده ام من مجبورم در موضوع انتخابات طهران عرایض خودم را بعرض مجلس شورای ملی برسانم و در مقابل‌انجام وظیفهٔ ملی ازهیچ خطری‌نمیترسم من هفت سال است ازکار دولت و سیاست مملکت برکنار شده‌ام قسمت اعظم این مدت مصادف بوده است با زمان اشغال ایران از طرف قوای اجانب که میدانی بمزدوران و خائنین داد و تیشه‌ها بریشه این مملکت زدندو کشور عزیزما را دچار بدبختی‌ها کردند و بروز سیاه‌نشاندند(نمایندگان-صحیح‌است) دراین‌دوران‌شوم من دچارانواع مصائب وگرفتاری ها شدم ومدتها ازحمایت‌قوانین محروم ماندم‌مقصودم نوحه‌خوانی‌نیست از این مقدمه این نتیجه‌رامیخواهیم بگیرم که این مصائب در اعماق روح من اثر فنا ناپذیری از خود باقی‌گذاشته و آن این است‌که ایمان راسخ پیدا کرده‌ام‌که اگر در یك ملتی‌احترام قوانین از بین برود زندگی آن‌ملت دشوار وبلکه محال میشود (صحیح است. صحیح‌است)(کف‌زدن ممتد تماشاچیان.)

رئیس - اگر تماشاچیان تظاهراتی کردندمن جلسه را ختم میکنم‌و بموجب ماده ۱۴۳ — ۱۴۲ همان تماشاچیان را خارج میکنم اعم از تماشاچی و ارباب جراید مجلس بایدکارهای خودش را درست انجام دهد.

دکتر متین دفتری - آقایان آن‌شیی که‌من‌وعدهٔ رانظامیان‌اجنبی‌باوضع‌فجیعی‌درشهربانی‌تحویل گرفتند ودر میان مسلسلهای دستی که ازگوش ودماغ ماچند سانتیمتر بیشتر فاصله‌نداشت بیك محل مخوفی‌بردند و در زیر زمین عریان و تاریکی با تمام محرومیت ها مدت‌مدیدی درگرمای تابستان نگاهداشتند پیش خدای خود عهد کردم اگر زنده ماندم تا عمر دارم بر علیه نا حق و بیدادگری مبارزه کنم (احسنت) قبل از جلسهٔ مجلس بسیاری از دوستان و آشنایان بعنوان خیر خواهی من را از شرکت در جلسات اولیهٔ مجلس‌که صرف‌گذراندن اعتبارنامه‌ها میشود منع میکردند. من‌متسلیم‌نشدم و تصمیم گرفتم‌برای مبارزه حاضر شوم و هیچ اهمیت نمیدهم‌که با اعتبار نامهٔ من در اینجا چه معاملهٔ بشود. اعتبار نامه‌برای من وقتی ارزش دارد که بتوانم بوظائف نمایندگی عمل نمایم‌من از برادران عزیز آذربایجانی که‌همیشه در گذشته‌ناجی‌آزادی‌بوده‌اندوهروقت اصول‌مشروطیت ایران‌بخطر افتاده‌قدعلم کرده‌اندورشدملی‌خودرا ثابت

نموده‌اند تشکر میکنم که افتخار نمایندگی خود را بمن داده‌اند وجبران محرومیت تهران را کردند : من باهالی مشکین شهر مخصوصاً بایل غیور و وطن‌پرست شاهسون درود میفرستم (ناصری ـ شمارا نمیشناسند)(فرامرزی ـ شمارا نمی‌شناسند آقا)(حاذقی ـ آقای ناصری حرف خودتان رایس بگیرید) که امروز بمن فرصت داده‌اند که صدای حق را در مجلس شورای ملی طنین انداز کنم ـ من چگونه میتوانم راجع بانتخابات تهران مهر خاموشی برلب بگذارم اگر محافظه کاری میکردم وساکت میماندم جواب بیست هزار نفر از همشهریان عزیز خود را که باتمام مخاطرات بمن رأی داده‌اند چه میتوانستم بدهم . بیست هزار نفری که از جوانان تحصیل کرده و افراد پاك اصناف پایتخت تشکیل شده وامروز چهل هزار چشم خودرا بطرف من دوخته‌اند که در مجلس شورای ملی نسبت به مظلومیت آنها دادخواهی میکنم ؟ یا اینکه بعد از بدست آوردن یك کرسی دراین مجلس همه چیز رافراموش کرده بوظائف ملی خود پشت پا میزنم . آقایان مخبر محترم شعبه درگزارش خود اظهار کردند که انتخابات تهران آزاد بوده. خدا این آزادی انتخابات رانصیب سیاهان افریقا هم نکند ! ازچند ماه قبل از شروع انتخابات برای کسانی که شانس انتخاب شدن در تهران داشتند ولی جزو لیست سیاه بودند امنیت نبود خود بنده پارسال تابستان هفته‌ای نبود که بتوقیف شدن تهدید نشوم وکسانی که بمنزل من رفت وآمد میکردند تحت نظر بودند . مجبور شدم چندی از شهر خارج شوم وبکوه ها پناه برم. چندروزی که بعزم زیارت حضرت رضا و اجتناب از تضییقات تهرا بمشهد مسافرت کردم پیرایه‌هائی بر این مسافرت بستند که واقعاً مضحك بودو اگر دوروز دیگر درمشهد مانده بودم حتماً توقیف میشدم . درهمان ایام بود که آیة‌الله کاشانی راکه وجودشانرا درانتخابات تهران مؤثر میدانستند توقیف کردند وهر بچهٔ این شهر میدانست تاانتخابات تهران شروع وتمام نشود سرنوشت این روحانی جلیل‌القدر معلوم است آن ایام سلسله جنبان اینفجایع عنصر خطرناکی بود که عنوان معاونت سیاسی رئیس دولت را داشت

(**بعضی از نمایندگان** ـ آقا اسم ایشان را بپرید)

دکتر مقین دفتری ـ من اسم اشخاص را نمیبرم خودتان بهتر میدانید (حاذقی — آقا اسم ایشانرا نبرید مجلس را ملوث نکنید) (صحیح است) وقتیکه خیالات شوم او هویدا شد و تصمیم گرفتند جان و مال مردم را از شر او خلاص کنند و او خوشبختانه موفق نشد در اجراء نقشه انتخاباتی دخیل باشد اظهار امیدواری میشد که تااندازهٔ شاید رعایت آزادی در انتخابات بشود ولی کسانیکه جای اورا گرفتند و عهده‌دار مشاغل مختلف او شدند این امیدواریرا تأیید نکردند . انتخابات تهران علی‌رغم تظاهرات وشکایات آزادیخواهان احزاب وجمعیتهای مؤتلفه مخصوصاً جامعهٔ دانشجویان که انصافاً همهٔ این دستجات رشیدانه مبارزه کردند مطابق نقشه جریان و خاتمه یافت و انجمن نظارت که از ابتدا طرز تشکیل خودش قانوناً مورد اعتراض بود درعمل در هیچ مرحله نه در روزهای اخذ آراء و نه در ایام قرائت آراء و نه در مدت هفتهٔ اعتراض کوچکترین وقعی نگذاشت گوش خودرا کر کرد و چشم خودرا در مقابل قانون شکنیها که همهٔ مردم برای‌العین میدیدند فرو بست و باعتراض جراید پایتخت که مینوشتند انتخابات آزاد نیست هیچ ترتیب اثر ندادند، اگر اسم همهٔ اینهارا ببرم خیلی مطول خواهد شد وفقط اسم چندتای از آنهارا میبرم مخصوصاً روزنامه های مظفر ، صدای مردم ، شفق ، اخبار روز ، کسری ایران ما ، آتش ، اقدام، کشور ، صدای وطن ، ستارهٔ غرب و پیروزی ، قلندر البته بدون تقدم و تأخر ذکر کردم اینها همه باکمال رشادت فریاد میزدند که انتخابات آزاد نیست مقالاتی نوشتند یکی از این رزنامه‌ها که دچار مشقت شد روزنامه مظفر بود، هیچگونه اهمیتی که ندادند هیچ بلکه کار را بجائی رسانیدند که مدیر روزنامه مظفررا بجرم اینکه چرا نوشته‌ای انتخابات تهران آزاد نیست و دراینجا شماره‌های آن‌را تماماً دارم که الان آن روزنامه ها در کیف بنده حاضر است اگر آقایان بخواهند میتوانند ببینند و برای جلوگیری از تضییع وقت آقایان قرائت نمیکنم در حکومت نظامی توقیف کردند و پرونده ای برای او ساختند که چرا گفته بود انتخابات آزاد نیست حتی در مدتی که برای رسیدگی بشکایات مقرر است انجمن بخود زحمت نداد یکنفر از شاکیان‌را که همه ازوجوه ومعاریف طهران بودند بخواهد که بدرخواست قانونی شاکیان برای حفظ ظاهرهم باشد ترتیب اثری بدهد . راجع بمواد شکایات و دفاعیکه انجمن کرده و درگزارش شعبه منعکس است بعد تفصیلا توضیح عرض خواهم کرد . فعلا ناچارم یك نکته را توضیح بدهم و آن ایرادی است که بمن میگیرند که چرا در اظهار مخالفت در بارهٔ اعتبارنامه آقای دکتر امینی اکتفا کرده‌ام و مخالفت خودرا نسبت به آقای صادقی پس گرفته‌ام بنده ازنظر احترامی که بعموم تحصیلکرده‌ها در این کشور دارم این احترام همیشه شامل حال ایشانهم هست (صحیح است) و میگویند اگر بجریان انتخابات تهران اعتراضی دارم حق این بود که به اعتبارنامه‌های تمام دوازده نفر اعتراض کنم . من خود متوجه این نکات بودم و میدانستم چنین ایرادی بمن میشود اما با درنظر گرفتن اوضاع واحوال فعلی و یأس از نتیجهٔ عملی یقین داشتم اگر بتمام اعتبار-نامه‌های تهران اعتراض کنم تشنجی نظیر تشنج جلسهٔ سابق در مجلس ایجاد میشود و ممکن است عواقب خلاف انتظاری داشته باشد وکاسه وکوزه را برسر من بشکنند و نتیجه آن شود که در موردیك اعتبار نامه هم نتوانم اعتراضات اهالی تهران را نسبت به فجایعی که در انتخابات اخیر تهران شده است بعرض مجلس شورای ملی برسانم روی همان اصل بود و بنده در مورد یازده نفر ابداً در رأی شرکت نکردم و خواستم این اصل خودرا حفظ کنم . این بود که توضیح دادم راه عملی پیش گرفته در مورد اولین اعتبارنامه‌ایکه طرح میشود اظهار مخالفت کنم ونسبت بقیه از شرکت در جلسه خودداری نمایم ونسبت باعتبارنامهٔ آقای صادقی هم مخالفت من بنا بر تمایلات پاره‌ای از محافل وطن‌پرست آذربایجانی بود که من رعایت احساسات آنهارا بر خود لازم میدانم والا من طرفیت شخصی باآقای صادقی نداشتم (نمایندگان ـ احسنت) و وقتی که بر اثر تشنج جلسهٔ سابق آقای امامی نمایندهٔ محترم آذربایجان از مخالفت باآقای صادقی منصرف شدند و علناً از من خواهش کردند که من هم از ایشان پیروی کنم بنا باحترام آقایان همکاران آذربایجانی مخالفت خود را مسترد داشتم .

اما در انتخاب اعتبار نامهٔ آقای دکتر امینی برای اظهار مخالفت تصادفاً دلائل موجه دیگری نیز دارم :

مدافعات انجمن نظار که مورد رسیدگی شعبهٔ چهارم واقع شده فقط درگزارش اعتبار نامهٔ آقای دکتر امینی مندرج است .

ثانیا ـ شکایت دادخواهی من درواقع ازانجمن نظار طهران است و ایشان هم در **انجمن** شرکت داشته اند و الا من از حیث صلاحیت شخصی امتیازی برای یازده نفر منتخبین دیگر طهران نسبت بآقای دکتر امینی قائل نیستم و ابداً خیال ندارم در این موقع وارد در مسائل شخصی بشوم و جز جریان سوء انتخابات طهران عرضی نخواهم کرد ، پس تصدیق میفرمائید که مخالفت من بر خلاف ایراداتی که این چند روزه بعضی ها گرفته‌اند معلول اغراض شخصی نیست !

بسیار متأسفم که رئیس دیوان کشور . یعنی عالیترین قاضی کشور رادر این انجمن شرکت دادند و از عدم سابقه و حجب او در امور سیاسی استفادهٔ خوبی نکردند و قانون انتخابات زیر نظر کسیکه باید مجسمه قانون باشد ملعبهٔ بازیگران انتخاب گردید .

انجمن نظار طهران بی اعتنائی به قوانین را بجائی رسانید که بعضی از کارمندان انجمن اصلی که باید حافظ و ناظر اجرای قانون بطور بیطرفانه در بارهٔ عموم باشند علناً در مجامع اصناف حاضر میشدند و تبلیغات تهدید آمیز میکردند و می گفتند هر کس بغیر لیست دولتی رأی بدهد دچار مأمورین غلاظ و شداد شهرداری خواهد شد ، و شهرداری طهران هم در تأیید بیانات آنها عموم رؤسای برزن ها را جمع کرده و لیست سیاه را بدست آنها داد و گفت بعموم پیشه وران بفهمانید که اگر هر کس تمایلی باین لیست اظهار کند باید منتظر احضاریه دادگاه گرانفروشان و استرداد پروانه صنفی و قطع شدن سهمیه دولتی باشد .

از این موقع باید استفاده کنم و بگویم مادام که مأمورین دولت و شهر داری در زندگانی افراد

مردم اینگونه دخالت های مستقیم دارند و پیشه‌وران عبد و عبید مأمورین باشند مشروطیت در ایران متزلزل خواهد بود این که کمترین سند سیاسی بنده است آقایان بنده طرفدار آزادی اقتصاد هستم ونظریات خود را در طی رسالهٔ مفصلا نوشته ام و عقیده ام این است که باید حتماً تجدید نظری در رژیم اقتصادی کشور بکنیم و با تصویب قوانین جدید در این دوره انشاءالله گریبان مردم کاسب و زحمت کش را از دست مأمورین خلاص کنیم و باین پروانه‌بازی ها که منشاء مفاسد بزرگ است خاتمه دهیم و ضمناً یك قدم اساسی برای احیاء آزادی افراد که اساس مشروطیت است برداریم . وعقیده‌ام این است که ازاین ببعد انشاءالله در تحت توجهات آقایان نفوذ در این کشور باید نفوذ معنوی باشد ، یعنی هر کس بواسطهٔ خدمات خود جلب توجه مردم را بکند این یك نفوذ معنوی مشروعی است والاباقدرت اقتصادی دولت نفوذ پیدا کردن بوسیلهٔ امتیازاتیکه دولت بدست خودش گرفته امتیازات انحصاری ، باین وسایل اعمال نفوذ کردن درزندگی مردم این شالودهٔ مشروطیت ما را بکلی از بین میبرد ملاحظه می-فرمائید وضع بازار امروزما باوضع بازار بیست سال قبل ما، در آن زمان چقدر بازرگانان آزادیخواه داشتیم چه خدماتی بمشروطیت ایران درابتدای مشروطیت این طبقه تجار و بازرگانان ما بآزادی ایران وبمشروطیت ایران کردند ولی امروز چقدر این بازرگانان ما ناراضی هستند می‌بینند ابتکارشان، فعالیتشان در مقدراتشان کوچکترین اثری ندارد هر کس بند وبست داشته باشد بیشتر موفق میشود یعنی بندوبست بوسیلهٔ بدست آوردن پروانه وازاین قبیل چیزها این رژیم را استدعا میکنم که در این مجلس درنظر داشته باشیداین رژیم آقایان بایستی تغییر بکند ونفوذ اقتصادی در این کشور بایستی جای خودش‌را بدهد بنفوذ معنوی (صحیح است) این یك پرانتزی بود از آقای مخبر خیلی معذرت می خواهم باری انجمن اصلی انجمنهای فرعی‌را اکثراً از بستگان ونوکرهای شخصی کاندیدا های دولتی یعنی اشخاصیکه که هیچوقت در انتخابات طهران سابقه نداشته پرکردند وآنها هم هرچه خواستند کردند و بقدری ناشی بودند که آثار جرم خود را نتوانستند محو نمایند .

شنیدم مرحوم مشیرالدوله که یکی از پاکدامن ترین رجال ما بود وقتیکه متصدی انتخابات طهران بود باو تکلیف کردند ، مرحوم سید محمد کمرهٔ را که بتصدیق آقای محمود محمود نظیراو از حیث اعتماد مردم ووطنپرستی امروز کم یافت میشود ومن میدانم که آقای محمود ایشان را خوب میشناسند بیك انجمن فرعی دعوت کند آنمرحوم بمناسبت اینکه کمرهٔ دمکرات ضد تشکیلی بود و شاید در انجمن رعایت تمایلات مسلکی بکند درصورتیکه دربارهٔ اوچنین فرضی بعید بود تأمل داشت حالا مشیر الدوله سراز گور بیرون بیاورد وببیند که بجای سید محمد کمرهٔ انجمن نظارت تهران عناصری رادرانجمن‌های فرعی شریك کرد که درمحلهٔ خودمعروف به(کریم خوشگله هستند) افتضاح انتخابات در موقع قرائت آراء در مسجد سپهسالار دیگر علنی شد پشت سر اکثر صندوقها مخصوصاً صندوقهای گدائی چاقو کشان معروف را گماشته بودند که کسی جرئت نکند طرز قرائت آراء را کنترول کند وبعضی از خوانندگان آراء هرطور دلشان میخواهد بخوانند ، اسم ها را عرض کنند بعضی ها را از قلم بیندازند بعضی هارا مکرر ثبت کنند و وقتی که بعضی از ناظرین متهور از بین دانشجویان باین طرز عمل اعتراض میکردند بعضی از کارمندان انجمن اصلی بآنها جواب میدادند همین است چه کنیم انتخابات عصر اتم است ! گفتگو شد بابعضی ازجوانهائی که آنجا ناظر بودند و بعد بگناه اینکه یکی از آن جوانها اعتراض کرده بود از خواندن آن اشخاص گدائی که آنجا بودند او را مضروب کردند حالا توضیح میدهم بنده، موقع اینگونه اعتراضات بود که چاقو کش ها یکی از دانشجویان معترض را سخت مضروب و بچشم او آسیب رسانید مدرك من کارتی است که آقای کی نژاد عضو انجمن همان موقع نوشته واورا برای معالجه بمادام حمزاوی معرفی کرده واین کارت راالان میخوانم پس ازعرض سلام حامل این کارت آقای صاحب ... که در اثر حادثه چشم ایشان صدمه دیده خواهشمندم ایشان را بادقت معاینه و معالجه فرمائید میخواهید این عین کارت است ملاحظه بفرمائید و روزنامهٔ ایران ماجریان این حادثهٔ اسف انگیز را همان تاریخ مفصلا نوشته که حاضر است بما میگفتند وبازهم میگویند که انتخابات طهران حزبی بوده و حزب دمکرات فاتح شده است حزبی که درآن زمان هنوز چند ماه بیشتراز عمرش نگذشته بود آقای ملك‌الشعراء ، آقای محمود محمود، آقای هاشم وکیل شما بحمدالله حی وحاضرید فراموش نکرده‌اید انتخابات دورهٔ چهارم تهران راکه دوحزب یکی دمکرات تشکیلی و دیگری بنام دمکرات ضد تشکیلی با هم مبارزه کردند آقایان ملك و وکیل جزء تشکیلیون بودند آقای محمود و بنده در صف ضد تشکیلی بودیم ، مبارزه کردیم اما مبارزهٔ شرافتمدانه موفق هم شدیم واکثراً آزادیخواهان نامی مقیم خارج از ایران را انتخاب کردیم . آیا مادرآن تاریخ بعنوان مبارزهٔ حزبی دست بعملیاتی زدیم که منافی آزادی افراد باشد ؟ آیا مادر آنزمان محصلین را ترور کردیم ؟ آیا ما رسدحملهٔ افراد مسلح بمحوطه مقدس دانشگاه فرستادیم؟ که دانشجویان طرفدار آزادی انتخابات را بزنند وزخمی کنند وبالفاظ رکیك بآنها اهانت نمایند. عکسهائی که همراه دارم نشان میدهد دانشجویان زخمی راکه در بیمارستان یانصد تختخوابی چند روز بستری شده‌اند ویکنفر دانشجورا تحت الحفظ بیاشگاه حزب جلب میکردند ! اعتراض آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه باین عمل که در جراید منتشر شد بهترین گواه من است .

از دوره چهارم مجلس تابحال عدهٔ تحصیل کرده‌ها در این شهر صد برابر شده ولی احترام حقوق این طبقه در جریان انتخابات دورهٔ پانزدهم بصفر تنزل کرد !

با اهالی پایتختش که صدها هزار تحصیل کرده دارد در انتخابات معامله‌ای کردند که با اهالی مزلقان هم نمیشود کرد !

چندروز دیگر چهل ویك سال ازعمر مشروطیت ما میگذرد واقعاً از این سیر تکاملی آزادی انتخابات باید خجالت بکشیم !

آقای محمود شما که در جوانی مبارز آزادی بودید چرا حالا که موی سرتان سفید شده است ناظر این جریانات بودید؟ (محمود محمود ـ جریان بدی نبود) اما حزب دموکرات ایران. من از کسانی هستم که وقتی شنیدم حزب دموکرات تشکیل میشود ابتدا بامسرت تلقی کردم زیرا اساساً وجود حزب بزرگی رادراین کشور لازم میدانم (صحیح است) اما بعد که حزب تشکیل شد وشروع بعمل کرد روش آن اسباب تعجب شد روش، این حزب دموکراتیك نیست از دو نظر یکی اینکه افراد در حزب تأثیری ندارند وآراء عمومی حزب در سازمان های آن و در تصمیمات اساسی رعایت نمیشود ودیگر اینکه این حزب برای سایر جمعیت‌ها واحزاب آزادیخواه حق حیات اجتماعی عملا قائل نیست . وبنده وقتی که ثابت کردم آنوقت آقا انشاءالله ساکت میشوند (دماوندی ـ این طور نیست در منتخب انتخابات صحبت بفرمائید) اگر اعتراض دارید بآقای رئیس بفرمائید این روش در قسمت اول موجب دلسردی جوانان شده است که تشنهٔ شرکت دریك حزب بزرگی بودند وباایمان کامل حزب دمکرات را استقبال کردند که چون این مسئله از امور داخلی حزب است بحث درآن مربوط بمن نیست . اما درقسمت دوم ناچارم بحث کنم زیراهمین روش حزب دمکرات که سایر جمعیت هارا بهیچ میشمارد و باتکاه قوای دولت نه با تجهیزاتی که در کشورهای راقیه دمکراتیك برای احزاب جائز و معمول است میخواهد میدان سیاست را انحصار خود نماید منشاء مفاسد انتخابات طهران شده است که موضوع شکایت بنده است . در جریان انتخابات اخیر طهران بعضی جمعیت‌ها بودند ازقبیل جمعیت دانشجویان ، حزب مردم وحزب وحدت ایران حزب عدالت ، جمعیت وحدت ایران که اکنون موسوم بحزب آریا است وحزب رادیکال و حزب ایران و استقلال وغیره وغیره که بدون رعایت تقدم وتأخر اسم آنهارا بردم اینها برای آزادی انتخابات مبارزه کردند بعضی ازآنها هم باهم در این مبارزه ائتلاف داشتند وباکمال صمیمیت همکاری کردند و بعضی‌ها مستقلا کارمیکردند این مبارزه چه ضرری داشت ؟ ولی متأسفانه دیدیم که باجتماعات عادی اینجمعیتها تعرض

نموده‌اند تشکر میکنم که افتخار نمایندگی خودرا بمن داده‌اند وجبران محرومیت تهران را کردند : من باهالی مشکین شهر مخصوصاً بایل غیور ووطن‌پرست شاهسون درود میفرستم (ناصری ـ شمارا نمیشناسند)(فرامرزی ـ شمارا نمی‌شناسند آقا)(حاذقی ـ آقای ناصری حرف خودتان رایس بگیرید) کهامروز بمن فرصت‌داده‌اند کهصدای حق‌را در مجلس شورای ملی طنین انداز کنم ـ من چگونه میتوانم راجع بانتخابات تهران مهر خاموشی برلب بگذارم اگرمحافظه کاری میکردم وساکت میماندم جواب بیست‌هزار نفر از همشهریان عزیز خود را که باتمام مخاطرات بمن رأی داده‌اند چه میتوانستم بدهم . بیست هزار نفری کازجوانان تحصیل کرده‌وافراد پاك اصناف پایتخت تشکیل‌شده وامروز چهل‌هزار چشم خودرا بطرف من‌دوخته‌اند که در مجلس شورای ملی نسبت به مظلومیت آنها دادخواهی میکنم ؟ یااینکه بعد از بدست آوردن یك کرسی دراین مجلس همه‌چیز رافراموش کرده بوظائف ملی‌خود پشت‌پا میزنم .آقایان مخبرمحترم شعبه درگزارش‌خود اظهار کردند کهانتخابات‌تهران آزاد بوده. خدااین آزادی‌انتخابات رانصیب‌سیاهان افریقا هم‌نکند ! ازچند ماه قبل از شروع انتخابات برای کسانی کهشانس‌انتخاب شدن درتهران‌داشتند ولی‌جزو لیست سیاه بودند امنیت نبود خود بنده پارسال تابستان هفته‌ای نبود کهبتوقیف شدن تهدید نشوم وکسانی کهبمنزل من‌رفت وآمد میکردندتحت نظر بودند .مجبور شدم چندی ازشهر خارج شوم وبکوه ها پناه‌برم. چندروزی کهبعزم زیارت‌حضرت رضاو اجتناب ازتضییقات‌تهرا بمشهد مسافرت کردم پیرایه‌هائی بر این مسافرت بستند که واقعاً مضحك بودو اگر دوروز دیگر درمشهد مانده بودم حتماً توقیف میشدم . درهمان ایام‌بود که آیةالله کاشانی راکه وجودشانرا درانتخابات تهران مؤثر میدانستند توقیف کردندوهر بچهٔ‌این‌شهر میدانست‌تاانتخابات‌تهران شروع‌وتمام نشود سرنوشت این روحانی‌جلیل‌القدر معلوم‌است آن‌ایام‌سلسله‌جنبان اینفجایع‌عنصر خطرناکی بودکه عنوان معاونت سیاسی رئیس دولت را داشت

(**بعضی‌ازنمایندگان** ـ آقااسم‌ایشان‌رابرید)

دکتر متین دفتری ـ من اسم اشخاص را نمیبرم خودتان بهتر میدانید (حاذقی — آقا اسم ایشانرا نبرید مجلس‌را ملوث‌نکنید) (صحیح است) وقتیکه خیالات شوم او هویدا شد و تصمیم گرفتند جان و مال مردم را از شر او خلاص کنند و او خوشبختانه موفق نشد در اجراء نقشه انتخاباتی دخیل باشد اظهار امیدواری میشدکه تااندازهٔ شاید رعایت آزادی در انتخابات بشود ولی کسانیکه‌جای اوراگرفتند و عهده‌دار مشاغل مختلف او شدنداین امیدواریرا تأیید نکردند . انتخابات تهران علی‌رغم تظاهرات وشکایات‌آزادیخواهان احزاب وجمعیتهای مؤتلفه مخصوصاً جامعهٔ دانشجویان که انصافاً همهٔ‌این دستجات رشیدانه مبارزه کردند مطابق نقشه جریان و خاتمه یافت و انجمن نظارت که از ابتدا طرز تشکیل خودش قانوناً مورد اعتراض بود درعمل در هیچ مرحله نه در روزهای اخذ آراء و نه در ایام قرائت آراء و نه در مدت هفتهٔ اعتراض کوچکترین وقعی نگذاشت گوش خودرا کر کرد و چشم‌خودرا در مقابل قانون شکنیها که همهٔ مردم برأی‌العین میدیدند فرو بست و باعتراض جراید پایتخت که مینوشتند انتخابات آزادنیست هیچ‌ترتیب‌اثر ندادند، اگر اسم همهٔ اینهارا ببرم خیلی مطول خواهدشد وفقط اسم چندتای ازآنهارا میبرم مخصوصاً روزنامه های مظفر ، صدای‌مردم ، شفق ، اخبار روز ، کسری ایران ما ، آتش ، اقدام،کشور ، صدای وطن ، ستارهٔ غرب و پیروزی ، قلندر البته بدون تقدم و تأخر ذکر کردم اینها همه باکمال رشادت فریاد میزدند که انتخابات آزاد نیست مقالاتی نوشتندیکی از این رروزنامه‌ها که دچار مشقت شد روزنامه مظفر بود، هیچگونه اهمیتی که ندادند هیچ بلکه کار را بجائی رسانیدند کهمدیر روزنامه مظفررا بجرم‌اینکه چرا نوشته‌ای انتخابات تهران آزاد نیست و دراینجا شماره‌های آن‌را تماماً دارم که الان آن روزنامه ها در کیف بنده حاضر است اگر آقایان بخواهند میتوانند ببینند و برای جلوگیری از تضییع وقت آقایان قرائت نمیکنم در حکومت نظامی توقیف کردند و پرونده ای برای او ساختند که چراگفته بود انتخابات آزاد نیست حتی در مدتی که برای رسیدگی بشکایات مقرر است انجمن بخود زحمت نداد یکنفر از شاکیان‌را که همه ازوجوه ومعاریف طهران بودند بخواهد که بدرخواست قانونی‌شاکیان برای حفظ ظاهرهم باشدترتیب‌اثری بدهد . راجع بمواد شکایات و دفاعیکه انجمن کرده و درگزارش شعبه منعکس‌است بعد تفصیلا توضیح عرض خواهم کرد . فعلا ناچارم یك نکته را توضیح بدهم و آن ایرادی است که بمن میگیرند که چرا در اظهار مخالفت در بارهٔ اعتبارنامه آقای دکتر امینی اکتفا کرده‌ام و مخالفت خودرا نسبت به آقای‌صادقی‌پس گرفته‌ام بنده ازنظر احترامی که بعموم‌تحصیلکرده‌ها در این کشور دارم این احترام همیشه شامل حال ایشانهم‌هست (صحیح‌است) و میگویند اگر بجریان انتخابات تهران اعتراضی دارم حق این بود که به اعتبارنامه‌های تمام دوازده نفر اعتراض کنم .من‌خود متوجه این نکات بودم و میدانستم چنین ایرادی بمن‌میشود اما با درنظرگرفتن اوضاع‌واحوال فعلی و یأس از نتیجهٔ عملی یقین داشتم اگر بتمام اعتبار-نامه‌های تهران اعتراض کنم تشنجی نظیرتشنج‌جلسهٔ سابق در مجلس ایجاد میشود و ممکن‌است عواقب خلاف انتظاری داشته باشد وکاسه وکوزه را برسر من بشکنند و نتیجه آن‌شود که در موردیك‌اعتبار نامه هم نتوانم اعتراضات اهالی تهران را نسبت به فجایعی که در انتخابات اخیر تهران شده است بعرض مجلس شورای ملی برسانم روی همان اصل بود و بنده در مورد یازده‌نفر ابداً در رأی شرکت‌نکردم و خواستم این اصل خودرا حفظ کنم. این بود که توضیح دادم راه عملی پیش گرفته در مورد اولین اعتبارنامه‌ایکه‌طرح میشود اظهارمخالفت کنم ونسبت بقیه‌ازشرکت‌درجلسه‌خودداری‌نمایم‌ونسبت‌باعتبارنامهٔ آقای‌صادقی‌هم‌مخالفت‌من‌بنابر تمایلات‌پاره‌ای‌ازمحافل وطن‌پرست‌آذربایجانی بود که‌من‌رعایت‌احساسات‌آنهارا بر خود لازم‌میدانم والا من طرفیت شخصی باآقای صادقی نداشتم (نمایندگان ـ احسنت) و وقتی که بر اثر تشنج جلسهٔ سابق‌آقای امامی نمایندهٔ محترم آذربایجان از مخالفت باآقای‌صادقی منصرف شدند و علناً از من خواهش کردند که من هم از ایشان پیروی کنم بنا باحترام آقایان‌همکاران آذربایجانی مخالفت خود را مسترد داشتم .

اما در انتخاب اعتبار نامهٔ آقای دکتر امینی برای اظهار مخالفت تصادفاً دلائل موجه دیگری نیز دارم :

مدافعات انجمن نظار که مورد رسیدگی شعبهٔ چهارم واقع شده فقط درگزارش اعتبار نامهٔ آقای دکتر امینی مندرج است .

ثانیا ـ شکایت وادخواهی من درواقع ازانجمن نظار طهران است و ایشان هم در **انجمن** شرکت داشته اند و الا من از حیث صلاحیت شخصی‌امتیازی برای یازده نفر منتخبین دیگر طهران نسبت بآقای دکتر امینی قائل نیستم و ابداً خیال ندارم در این موقع وارد در مسائل شخصی بشوم و جز جریان سوء انتخابات طهران عرضی نخواهم کرد ، پس تصدیق میفرمائید که مخالفت من بر خلاف‌ایراداتی که این چند روزه بعضی ها گرفته‌اند معلول‌اغراض شخصی نیست !

بسیار متأسفم که رئیس دیوان کشور . یعنی عالیترین قاضی کشور رادر این انجمن‌شرکت‌دادند و از عدم سابقه و حجب او در امور سیاسی استفادهٔ خوبی نکردند و قانون انتخابات زیر نظر کسیکه باید مجسمه قانون باشد ملعبهٔ بازیگران انتخاب گردید .

انجمن نظار طهران بی اعتنائی به قوانین را بجائی رسانید که بعضی از کارمندان انجمن اصلی که باید حافظ و ناظر اجرای قانون بطور بیطرفانه در بارهٔ عموم باشند علناً در مجامع اصناف حاضر میشدند و تبلیغات تهدید آمیز میکردند و می گفتند هر کس بغیر لیست دولتی رأی بدهد دچارمأمورین غلاظ و شداد شهرداری خواهد شد ، و شهرداری طهران هم در تأیید بیانات آنها عموم رؤسای‌برزن ها را جمع کرده و لیست سیاه را بدست آنها داد و گفت بعموم پیشه وران بفهمانید که اگر هر کس تمایلی باین لیست اظهار کند باید منتظر احضاریه دادگاه گرانفروشان و استرداد پروانه صنفی و قطع شدن سهمیه دولتی باشد .

از این موقع باید استفاده کنم و بگویم مادام که مأمورین دولت و شهر داری در زندگانی افراد

مردم اینگونه دخالت های مستقیم دارندو پیشه‌وران عبد و عبید مأمورین باشند مشروطیت در ایران متزلزل‌خواهد بودباین که کمترین‌سندسیاسی‌بنده است آقایان بنده طرفدار آزادی اقتصاد هستم ونظریات خود را در طی رسالهٔ مفصلا نوشته ام و عقیده ام این‌است که بایدحتماً تجدید نظری در رژیم‌اقتصادی کشور بکنیم و با تصویب قوانین جدید در این دوره انشاءالله گریبان مردم کاسب و زحمت کش را از دست مأمورین خلاص کنیم و باین پروانه‌بازی ها که منشاء مفاسد بزرك است خاتمه دهیم و ضمناً یك قدم اساسی برای احیاء آزادی افراد که اساس مشروطیت است برداریم . وعقیده‌ام این است که ازاین ببعد انشاءالله در تحت توجهات آقایان نفوذ در این کشور باید نفوذ معنوی باشد ، یعنی هر کس بواسطهٔ خدمات خود جلب توجه مردم را بکند این یك نفوذ معنوی مشروعی است والاباقدرت اقتصادی دولت نفوذ پیدا کردن بوسیلهٔ امتیازاتیکه دولت بدست خودش گرفته امتیازات انحصاری ، باین وسایل‌اعمال‌نفوذکردن درزندگی‌مردم این شالودهٔ مشروطیت ما را بکلی از بین میبرد ملاحظه می‌فرمائید وضع بازار امروزما باوضع بازار بیست‌سال قبل‌ما، در آن زمان چقدر بازرگانان آزادیخواه داشتیم چه خدماتی بمشروطیت ایران درابتدای مشروطیت این طبقه تجار و بازرگانان ما بآزادی ایران وبمشروطیت ایران کردند ولی امروز چقدر این‌بازرگانان ما ناراضی هستند می‌بینندابتکارشان، فعالیتشان در مقدراتشان کوچکترین اثری ندارد هر کس بند وبست داشته باشد بیشتر موفق میشود یعنی بندوبست بوسیلهٔ بدست آوردن پروانه وازاین قبیل چیزها این رژیم را استدعا میکنم که در این مجلس درنظر داشته باشیداین رژیم آقایان بایستی تغییر بکند ونفوذ اقتصادی در این کشور بایستی جای خودش‌را بدهد بنفوذ معنوی (صحیح است) این یك پرانتزی‌بود ازآقای مخبر خیلی معذرت می خواهم باری انجمن اصلی انجمنهای فرعی‌را اکثراً از بستگان ونوکرهای شخصی کاندیدا های‌دولتی یعنی اشخاصیکه که هیچوقت در انتخابات طهران سابقه نداشته پرکردند وآنها هم هرچه خواستند کردند و بقدری ناشی بودند که آثار جرم خود را نتوانستند محو نمایند .

شنیدم مرحوم مشیرالدوله که یکی از پاکدامن ترین رجال ما بود وقتیکه متصدی انتخابات طهران بود باوتکلیف کردند که مرحوم سید محمد کمرهٔ‌را که بتصدیق آقای‌محمود محمود نظیراو از حیث‌اعتماد مردم ووطنپرستی امروز کم یافت میشود ومن‌میدانم که آقای محمودایشان را خوب میشناسند بیك‌انجمن فرعی دعوت کند آنمرحوم بمناسبت اینکه کمرهٔ دمکرات ضد تشکیلی‌بود و شاید در انجمن رعایت تمایلات مسلکی بکند درصورتیکه دربارهٔ اوچنین فرضی بعید بود تأمل داشت حالا مشیر الدوله سراز گور بیرون بیاورد وببیند که بجای سید محمد کمرهٔ انجمن‌نظارت‌تهران‌عناصری‌رادرانجمن‌های‌فرعی‌شریك کرد که‌درمحلهٔ‌خودمعروف‌به(کریم‌خوشگله‌هستند!) افتضاح انتخابات در موقع قرائت آراء در مسجد سپهسالار دیگر علنی شد پشت سر اکثر صندوقها مخصوصاً صندوقهای کذائی چاقوکشان معروف را گماشته بودند که کسی جرئت نکند طرز قرائت‌آراء را کنترول کند وبعضی از خوانندگان آراء هرطور دلشان میخواهد بخوانند ، اسم ها را عرض کنند بعضی ها را از قلم بیندازند بعضی هارا مکرر ثبت کنند و وقتی که بعضی از ناظرین متهور از بین دانشجویان باین طرز عمل اعتراض میکردند بعضی ازکارمندان‌انجمن‌اصلی‌بآنها جواب‌میدادندهمین است چه کنیم‌انتخابات عصر اتم است !گفتگو شدبابعضی ازجوانهائی که آنجا ناظر بودند و بعد بگناه اینکه یکی از آن جوانها اعتراض کرده بود از خواندن آن اشخاص کذائی که آنجا بودند او را مضروب کردند حالا توضیح میدهم بنده، موقع اینگونه اعتراضات بود که چاقوکش ها یکی از دانشجویان معترض را سخت مضروب و بچشم او آسیب رسانید مدرك من کارتی است که آقای کی نژاد عضو انجمن همان موقع نوشته‌واورا برای معالجه بمادام‌حمزاوی معرفی کرده واین‌کارت راالان میخوانم پس ازعرض سلام حامل این‌کارت آقای صاحب ۰۰۰ که در اثر حادثه چشم ایشان صدمه دیده خواهشمندم ایشان را بادقت معاینه و معالجه فرمائید میخواهید این‌عین کارت است‌ملاحظه‌بفرمائید و روزنامهٔ ایران‌ماجریان این‌حادثهٔ اسف انگیز را همان تاریخ مفصلا نوشته که‌حاضراست‌بمامیگفتند وبازهم میگویند که انتخابات طهران حزبی بوده و حزب دمکرات فاتح شده‌است حزبی که درآن زمان هنوز چند ماه بیشتراز عمرش نگذشته بود آقای‌ملك‌الشعراء ،آقای‌محمود محمود، آقای هاشم‌وکیل‌شماهابحمدالله حی‌وحاضرید فراموش نکرده‌اید انتخابات‌دورهٔ چهارم تهران راکه دوحزب یکی دمکرات تشکیلی و دیگری بنام دمکرات ضد تشکیلی با هم مبارزه کردند آقایان ملك و وکیل جزء تشکیلیون بودند آقای‌محمود و بنده در صف ضد تشکیلی بودیم ، مبارزه کردیم اما مبارزهٔ‌شرافتمندانه موفق‌هم شدیم واکثراً آزادیخواهان نامی مقیم خارج از ایران را انتخاب کردیم . آیا مادرآن تاریخ بعنوان مبارزهٔ حزبی دست بعملیاتی زدیم که منافی آزادی افراد باشد ؟ آیا مادر آنزمان معصلین را ترور کردیم ؟ آیا ما رسدحملهٔ افراد مسلح بمحوطه مقدس دانشگاه فرستادیم؟ کهدانشجویان طرفدارآزادی انتخابات‌را بزنندوزخمی کنند وبالفاظ رکیك‌بآنها اهانت‌نمایند. عکسهائی که همراه دارم نشان میدهد دانشجویان زخمی راکه‌در بیمارستان یاتصد تختخوابی چند روز بستری شده‌اندویکنفردانشجورا تحت الحفظ‌بیاشگاه حزب جلب میکردند ! اعتراض آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه باین عمل که در جراید منتشر شد بهترین گواه من است .

از دوره چهارم‌مجلس تابحال‌عدهٔ تحصیل کرده‌ها در این‌شهر صد برابر شده ولی احترام حقوق این طبقه در جریان انتخابات دوره پانزدهم بصفر تنزل کرد !

با اهالی پایتختش کهصدها هزار تحصیل کرده دارد در انتخابات معامله‌ای کردند کهبا اهالی‌مزلقان هم نمیشود کرد !

چندروز دیگرچهل‌ویك‌سال ازعمرمشروطیت‌ما میگذرد واقعاً از این سیر تکاملی آزادی انتخابات باید خجالت بکشیم !

آقای محمود شماکه در جوانی مبارز آزادی بودید چرا حالاکهموی‌سرتان سفید شده است‌ناظر این‌جریانات‌بودید؟(محمود محمود. جریان‌بدی نبود) اما حزب دموکرات‌ایران. من‌ازکسانی‌هستم کهوقتی شنیدم حزب دموکرات تشکیل میشود ابتدا بامسرت تلقی کردم زیرا اساساً وجود حزب بزرگی‌رادراین کشور لازم میدانم (صحیح است) اما بعدکه حزب تشکیل‌شد وشروع بعمل کرد روش آن اسباب‌تعجب شد روش، این‌حزب دموکراتیك نیست از دو نظر یکی‌اینکه افراد در حزب تأثیری ندارند وآراء عمومی حزب در سازمان های آن و در تصمیمات اساسی رعایت نمیشود ودیگر اینکه این‌حزب برای سایر جمعیت‌ها واحزاب‌آزادیخواه حق‌حیات‌اجتماعی عملا قائل نیست . وبنده وقتی کهثابت کردم‌آنوقت آقا انشاءالله ساکت میشوند (دماوندی ـ این‌طور نیست در منتخب انتخابات صحبت‌بفرمائید) اگر اعتراض دارید بآقای رئیس بفرمائید این روش در قسمت اول موجب دلسردی جوانان شده‌است کهتشنهٔ شرکت دریك حزب بزرگی بودند وباایمان کامل حزب دمکرات را استقبال کردند که چون این مسئله از امور داخلی حزب است بحث درآن مربوط بمن نیست . اما درقسمت دوم ناچارم بحث کنم زیراهمین روش حزب دمکرات که سایر جمعیت هارا بهیچ میشمارد و باتکاء قوای دولت نه با تجهیزاتی که در کشورهای راقیه دمکراتیك برای احزاب جائز و معمول است میخواهد میدان سیاست را انحصار خود نماید منشاء مفاسد انتخابات طهران شده است کهموضوع شکایت بنده است . در جریان انتخابات اخیر طهران بعضی جمعیت‌ها بودند ازقبیل جمعیت دانشجویان ، حزب‌مردم وحزب‌وحدت‌ایران حزب‌عدالت ، جمعیت‌وحدت‌ایران که اکنون موسوم بحزب آریا است وحزب رادیکال و حزب ایران و استقلال وغیره وغیره کهبدون رعایت تقدم وتأخر اسم آنهارا بردم اینها برای آزادی انتخابات مبارزه کردند بعضی ازآنهاهم‌باهم در این مبارزه ائتلاف داشتند وباکمال صمیمیت همکاری کردند و بعضی‌ها مستقلا کارمیکردند این‌مبارزه چه‌ضرری‌داشت ؟ ولی متأسفانه دیدیم که باجتماعات عادی اینجمعیتها تعرض

میکردند و ازسخنرانیهای آنها باسم حزب‌دمکرات جلوگیری‌مینمودند .این‌درست نیست وعواقب وخیم دارد امعنی‌دمکراسی‌این است که کلیهٔ احزاب بشرط اینکه بقانون اساسی ومذهب رسمی کشور وسلطنت مشروط ایمان داشته باشند باید درحدود قوانین از آزادی مخصوصاً آزادی انتخابات متمتع باشند . اگر واقعاً حزب دمکرات باقوهٔ تبلیغ آزادو فعالیت افراد خود اکثریت رادر انتخابات طهران میبرد و از قوای دولت استفاده میکرد چنانکه سابقاً مثلادر دورهٔ چهارم مجلس کهعرض کردم‌دمکرات تشکیلی وصدتشکیلی انتخابات تهران رابردند این‌حزب قابل ستایش بود و ماازمحرومیت خود ابداً شکایت نمی کردیم.اما آقایان هیچ شایسته و قابل قبول نیست که بنام دمکراسی جریاناتی پیش بیاورند که اشخاص معینی حتماً انتخاب شوند .(مهندس رضوی- بیست سال حکومت دیکتاتوری همینطور بوده است .) (دماوندی مشکین‌شهر مردم‌راتبعید کردند.) (مکی بنشین‌آقاصحبت‌نکن) (رئیس‌خطاب‌بدماوندی- بسره بنشین‌ساکت‌باش) واشخاص‌معینی‌هم‌بهرقیمت‌هست‌انتخاب شوند!اگر آیةالله کاشانی‌یاآقای‌امام‌جمعه که‌مورداحترام مردم‌هستند یاآقای‌میرزامحمدصادق‌طباطبائی که موی سرش را درخدمت مشروطیت سفید کرده یاآقای زعیم که رفیق پایدار مرحوم مدرس بود یا آقایان دکتر جزائری و خلعت‌بری ودکتر سنجابی که از جوانان پاك این‌شهر هستند مثلا انتخاب می‌شدندچه ضرری داشت؟ من نمیگویم که این‌آقایان میبایستی حتماً انتخاب شوند اماآیا انصاف است که این‌عناصر عملا ازحق انتخاب شدن محروم شوند؟ اکنون می خواهم ثابت کنم که انتخابات طهران را حزب‌نبرده بلکه صورت ظاهر حزب برده و باطناً قوای دولت این انحصار انتخاباتی را برای حزب دمکرات تأمین کرده است آقایان درست دقت بفرمایند اطلاعاتی عرض میکنم که قابل تردید نیست . فعالیت انتخاباتی تهران که بنام حزب‌بود درواقع بدست وزارت کارو تبلیغات که وجود خودش هنوز قانونی نیست صورت گرفت و قسمت اعظم مخارج آنرا از بودجهٔ آن وزارتخانه تأمین کردند. درمهرماه ۱۳۲۰ مقدمات کاررا آن وزارتخانه‌فراهم کرد، تدبیری اندیشیدند و دستگاهی بنام کلاس اختصاص وزارت‌کار درست کردند که ابتدا ۵۰ نفر گرفته وبعد عده‌را تقریباً به یکصد و هفت نفررساندند باین اشخاص مطابق قوانین استخدامی نمیتوانستند حقوق کافی بدهنداین بود که تحت عنوان دانش آموز کلاس روزی قریب شصت ریال بعنوان هزینه اعاشه محصل و فوق‌العاده خروج از مرکز (چهل ریال بعنوان هزینه اعاشه و بیست ریال بعنوان فوق العاده) کلاس عملا وجود خارجی پیدا نکرد فقطروزهای اول ماه مهر چند روزی بعنوان فورمالیته این عده را تحت عنوان کلاس یك جا جمع کردند . اینعده بودند که درانتخابات تهران چه درشهروچه درحومه تاخت وتاز کردند .

انتخابات هم که تمام شد تااول فروردین‌وزارت کار از بودجهٔ خود تحت عنوان کلاس موهوم جور آنها راکشید قرار بود از اول سال جاری رسماً آنهارا بعنوان دون پایه استخدام کنند وبخارج‌اعزام شوند ، لیکن برای جشن سالیانه حزب آنها را نگاهداشتند و جشن هم که برگزار شده هنوز در مرکز مانده اند هیچ‌کاری ندارند وبرای خود می‌گردند و آمادهٔ اجراء اوامر حزبی هستند . اخیراً اکثر آنها در مبدان‌بهارستان مراقب‌مجلس‌هستند، این عده برای وزارت کار تاکنون یك میلیون و هشتصد هزار ریال تمام شده است یکصد نفر، نفری شصت ریال در مدت ده ماه (از مهر تا تیر) غیر از هزینهٔ سفر که درسال گذشته وزارت‌کار ۹۷۰٫۰۰۰ ریال خرج سفرمصرف شده که قسمت مهم آن‌صرف آمدورفت همین عده‌بحومهٔ تهران یابعضی‌شهرستانها بمنظور انتخابات شده است .

ازطرف دیگر وزارت‌کار درسال گذشته‌ده‌عدد اتومبیل‌جیپ‌خریده‌است خرید اینها تماماًمدرك‌دارد آقایان بنده بی‌مدرك‌چیزی‌عرض نمیکنم درحدودیك ملیون‌ریال‌وقریب‌هشتصد هزار ریال هزینه سوخت و تعمیرآنها را داده ، البته غیراز مواجب شوفر ها غیراز دو عدد ازآنها که دراختیاروزارت خانه بوده‌بقیهٔ جیپ‌هابرای‌انتخابات ازشهرخارج شده‌اند.

بقیه دارد